

رمانهای کلاسیک سهمیه



www.romankade.com





طراحی و صفحه آرایی : رمان های عاشقانه

آدرس سایت : www.Romankade.com

کانال تلگرام @romankade_com

تمامی حقوق این کتاب نزد رمان های عاشقانه محفوظ است

نام رمان : رویای خیس

نویسنده : فاطمه عابدین زاده

هر از گاهی رویاهایم به زبان می آید

مثلاً می گوید: تنهایی بهای سنگین زلال ماندن است

من نیز پرده یه بخار الودش را پس میزنم

چراغ را خاموش میکنم باگریه هایم

رویاهایم را خیس میکنم

اری رویایی خیس



تو اتاقم بودم مثل همیشه توفکر افکارم بودم باید خودمو سرگرم میکردم هم اینکه دنبال
یه درامدیم باشم دستم توجیب خودم باشه

تو حالو هوایی خودم بودم که بابام صدام زد

_اوا اوا

_بله باباجونم

_دخترم کجایی بیا کارت دارم

_جونم بابا در خدمتم

_امروز تو سرکارم یکی از همکارام گفت یکی

از اشناهاشون به منشی نیاز دارن منم گفتم خوبه اگه بری

_اره خوبه اتفاقا خودمم دنبال کار بودم توفکرش بودم اگه خوب باشه چرا که نه

_باشه پس من به اقایی محمدپور میگم که دخترم میاد فردا واسه مصاحبه راستی مادرت

کجاس



_خونه سلیمه خانومه الان میاد

_باشه برو به کارت برس بدش زودبخواست که صبح خواب نمونی ادرس شرکت صبح میدم

بهت

رفتم تواتاقم فردا باید تمیز مرتب برم شرکت رفتم حموم واسه خودم اهنگ میخوندم
یعنی اگه از همسایه ها بود پرتم میکردم بیرون از ساختمون

با این صدام اعتماد به نفس داشتم بازم میخوندم جورایی بود که گوشامم میگفتن عجب
غلطی کردیم گوش توشدیم

به افکار خودم میخندیدم اومدم بیرون موهامو خشک کردم روتختم ولو شدم

خوابیدم صبح باید بلند میشدم که میرفتم گوشیمو گذاشتم روزنگ که خواب نمونم بیهو در
اتاق باز شد یکی پرید تو آرزو بود

خواهرم هفته سه سالشه خیلیم شیطونه یه صورت بچه گونه ایی داره با اون چتری های که
جلویی چشای کشیده قهویشو گرفته با بروهای پرش یه لب معمولی درکل

نازه و خوشگله به خواهرش رفته از بس خوشگله

این یه موردو به من رفته البته

کلیم حرف میزنه و سوال میکنه زود خودموزدم به خواب که مخمونخوره



_اجی اوا من خرم یعنی عر عر خودتوزدی به خواب

اجی اوا پاشو من خوابم نمیبیره باش

جواب نده منم میخوابم

_اخیش رفت بخوابه دختره پیش فعاله نصف شبی مخ میخوره فقط به جایی شام

راستش منم خوابم نمیبرد باگوشیم ورمیرفتم که

نورگوشیم دو تا شاخ ونشون میداد گوشیبورعکس کردم نه اینکه سوسکه

_وای مامان بابا سوسک

_اجی چرانصف شبی رقصت گرفته

_کم حرف بزن میگم سوسک میگی رقصم گرفته

یهو بدتر از من اونم جیغ میزد خونه گذاشته بود روسرش



چی شده اوا ارزو چتونه نصف شبی

مامان سو سک

کو کجاس

اونا بغل تخت اجیه

سوسکه دیو دوسر نیس که

مامان اذیت نکن بکشش خوابم نمیبره شب

باشه جارو بیار

جارو دادم به مامانم همچین سوسک کشتش که صدایی غلط کردن سوسکم میومد

کشتم حالابخواین جیغ جیغ نکنید



_باشه شب بخیر

دیگ خوابیدم

صبح بازنگ گوشیم بیدار شدم بایداماده میشدم بابااومد تواتاقم

_اوا اینم ادرس مواظب خودت باش چیزیی شدبهمم زنگ بزن

_چشم بابایی

بلندشدم دستوصورتم بشورم بداماده شم هشت بایداونجاباشم رفتم بلند صبح بخیرگفتم

_صبح همه بخیر

_چته دختره دیونه ترسیدم ارزومسخره میکردی سرخودت اومد

_وا مامان رسماً گفتمی روانیم ما

_اجی جونم تبریک میگم



_تبریک واس چی

_به جمع روانی ها اضافه شدی

_ارزو مگردستم بهت نرسه دختره پرو

_اگ رسید سلام ویژه برسون

تو خونه من بدو ارزو بدو اخرم خسته شدم بیخیال شدم

واقعا شکر درسته که کم هسیم ولی کنارشون احساس آرامش دارم شادیم بخصوص بااین

ارزو دیونه

_اوا کجایی تودختر

بیاصبونحه توبخور دیرت نشه

_چشم مامانی بآبارفت

_اره زودرفت گفت جلسه داره

_اهاباشه



بابام معلمه خداروشکر دستمون به دهنمون میرسه همین که باهمیم کلیه هول هولکی
خوردمو رفتم اتاقم آماده شم

_چی بپوشم

_بیامنوبپوش شیک تری

_ارزو تو حرف نزنی نمیگن لالی تو که بپوشم ندیده ردم میکنن

_اجی خیلی نامردی اصلنشم گهرم

_اوه چه لوسه خواهرم بیا ب*و*ست کنم برو دیگه پرو نشو

_مرسی از محبتت

_ارزو

_رفتم

درکمدو باز کردم چی بپوشم یه شلوار مشکی برداشتم با مانتویی گل‌بهی با مقنع مشکی
خوبه باکفش عروسکی گل‌بهی ارایشم نمیکنم خدادادی خوشگلم خدایا هیچی بهم ندادی
اعتماد به نفس دادی رفتم جلو اینه



یه صورت گرد بالپ هایی سرخ لب غنچه ایم یه دماغ کوچولو چشایی منم کشیده بودبا
ابرو های مشکی پر از نظر خودم قیافم خوبه یه برق لب زدم لباسمو پوشیدم

از مامان خدافظی کردم و رفتم

سوار تاکسی شدم رفتم به سوی شرکت

_مرسی پیاده میشم چقد همیشه

_قابلتونو نداره خانوم

_مرسی

_سه تومن

_بفرما بید مرسی

پیاده شدم عجب ساختمون بلندیه ظاهرش عالیه داخلش چیه

سوار اسانسور شدم طبقه ده زدم اسم یارو چی بود یادم رفت



اها اقای محسنی آرین محسنی

وارد سالنش شدم چقد بزرگه و قشنگه چندتا کارمندبودن هرکدوم یه میزی داشتن دیواراشم کاغذیواری انگلیسی نوشته مشکی طلایی همین جوری داشتم نگا میکردم که یه پیرمردی اومدگفت بفرماییدخانوم امری داشتن

_سلام ببخشید باقای آرین محسنی کارداشتم هستن

_بله دخترم بشین تابهش بگم خانومه

_اوا عمرانی هستم ازطرف اقای محمدپور اومدم واسه مصاحبه

_باشه دخترم بشین تابام

_چشم

دوباره شروع کردم به دید زدن چرامنوا اینجوری نگا میکنن مگه چمه من وا

بفرمایید اقا منتظرتون هستن

_مرسی



تق تقی به در زدم رفتم تو اوه اینجارو شده بودم عین ندید بدیدا انگار ازدهات اومده به خودم اومدم یه پسره هیکلی چشایی قهوه ایی بابروهایی مشکی حالت دارش دماغشم معمولی یه لب بامزه که به صورتش میومد موهایی بورم داشت با ته ریش که قیافشو عالی کرده بود

_خانوم شما اومدین منواتا قم دید بزنین یا واسه مصاحبه

_اوم چیزه واسه مصاحبه اومدم

یعنی انقضایع بازی دراوردم که فهمید اول بسم الله ابروم رفت

_از طرف اقایی محمد پور اومدین چندسالتونه

_بیست و سه سالمه

_رشته تحصیلی

_مهندسی صنایع فوق دیپلم

_خوبه شرایط کاریوبهتون گفتن یابگم



_نه نگفتن

_ساعت کاری هشت صبح تا چهاربده ظهره چون کارامون زیاد ساعت کاریم زیاده

حقوقم که مدیر مالی خودش میدونه وشما منشی من

هسین کارایی که میدم انجام میدین درستم تحویلیم میدین

_چه مغرور

_چیزی گفتین

_من نه گفتم خوبه

_باشه پسرافردا شروع میکنیم هشت صبح میبینمتون

_خیلی ممنون خدافظ

_بسلامت



از ساختمون خارج شدم رفتم که یکمم دور بزنم مغازه هارو دیدم عاشق لباسو لاک بودم
همشم اینارو میخریدم یا نگاهشون میبردم لت میبردم دخترهمشون اینجورین

زیاد اهل دوس داشتن نبودم دوسایم فقط تو دانشگاه یا مدرسه بوده

داشتم از خیابون رد میشدم که دیدم پیرزنی میخواد رد شه اما همیشه ماشین هام وای
نمیسادن انقد با سرعت میرفتن انگار جایزه میدن بهشون رفتم دست پیرزن گرفتم

_مرسی دخترگلم از کی وایسادم که رد شم اما همیشه از پله هام نمیتونم برم دیگه
ما پیر شدیم نوبت شما جوناس

_خواهش میکنم مادر جون این چه حرفیه بفرمایید من کمکتون میکنم

بهبش کمک کردم از خیابون رد بشه

_ایشالله خیر ببینی دخترم خوشبخت بشی

_ممنونم مادر جون خونتون کجاس تا کمکتون کنم تادم خونتون



_ نه دخترگلم پسر م میاد دنبالم خداپشتو پناهت

_ پس با اجازه خدافظ

_ خدافظ دخترجون

چه زن خوبو مهربونی بود از کجامیومد پس چرا پسرش نیومد اون ور خیابون کمکش کنه

ولش کن الان فکر کنم مخم هنگ میکنه همین جوری به راهم ادامه دادم دیگ خسته
شدم تا کسی گرفتم برم خونه

کلیدوانداختم دروباز کردم دیدم کسی خونه نیس برق هام خاموشه برقوروشن کردم
انقدگرسنم بود سکشکم گرفته بود زودی پریدم طرف یخچال غذا داغ کردم خوردم زنگ زدم به
مامان

_ الو سلام مامان کجاین شما

_ سلام دخترم با ارزو اومدیم خونه خاله فتانه میایی بیا شبم بابات میاد اینجا هرچی زنگ
زدم به گوشیت جواب ندادی



_اها نشنیدم من نمیام خستم خوش بگذره به خاله فتانم سلام برسون خدافظ

_باشه پس غذا داغ کن بخور مامیایم مراقب باش خدافظ

نمیدونه عین قعطی زده ها اول غذا خوردم رفتم اتاقم لباسامو دراوردم حوصلم بدجور
سرفته بود تلویوزونم چیزی نداشت عجب غلطی کردم نرفتم ساعت هنوز سه ظهر بود اخه
از صب رفتن اونجا چیکار کنن پشیمون شدم زنگ زدم به مامان

_مامان میگم

_جانم

_منم میام پشیمون شدم

_تو که خسته بودی چی شد

_اصلانمیام

_شوخی کردم بیامنتظریم



آماده شدم زود جیم شدم رفتم خونه خاله فتانه یه کوچه بامافاصله داشت درشونو زدم
رفتم بالا باز مثل همیشه بلند سلام کردم

_ سلام به همه

_ دخترتونمیخواایی ادم شی یه بار درس حسابی سلام بدیی اخرمنوسکته میدی نخواسم
سلام بدیی

_ وا مامان بده مگه

_ اینکه یه دیونه کم بود دوتا شده اره بده

خالم زد زیر خنده با ارزو

_ سلام اوا خانوم خوش اومدی

_ سلام خاله جون مرسی خوبین شما

_ مرسی فداتشم بشین چایی میوه بیارم برات



_ زحمت نکشین مرسی

یدونه خاله داشتم خیلی دوش داشتم باحال بود

_اوا تو نمیخوایی شوهر کنی ترشیدی خواهرم بایدلیته بزاره واست

_وا خاله جون کورم چمه که بترشم

_اجی خیلی اعتماد به نفس داری

_ازتوکه بیشترندارم

تاشب کلی خندیدیم شوخی کردیم اخرشب شد خدافظی کردیم اومدیم خونه

_اوا دخترم چی شد امروز رفتی وقت نشدخونه خاله پیرسم

_اره باباجون رفتم ازفردا باید برم



_خوبه موفق باشی عزیزم

_مرسی بابایی من رفتم بخوابم شبتون بخیر

_شبت توام بخیر

رفتم روتختم ولوشدم زودم خوابیدم

_اجی بلندشو اول بسم الله خواب موندی که پاشو ساعت نه

_وای خاک به سرم ارزو چرازودتر بیدارم نکردی ساعت نگاه کردم هفت بود

_ارزو خفت میکنم

_حفته

_یکی طلبت



پاشدم آماده شدم که برم شوالی ابی پوشیدم با مانتومشکی مقنع زود صبونحه خوردم
خدافظ کردم رفتم

رسیدم به شرکت سواراسانسورشدم طبقه ده زدم به همه سلام دادم بازم اون پیرمرده
اومد

_سلام دخترم خوش اومدی

_سلام مرسی ببخشید من الان کجا بایدباشم اقامحسنی نیستن

_نه الان میاد بیابشین تاخودش بهت بگه

_ممنونم

نشستم تابیاد حالامگه حضرت عالی میان کفریی شده بودم همون موقع شد که اومد

_سلام اقامحسنی



_سلام بامن بیاین

وا این چرانقدتخسه دنبالش رفتم مٹ جوجه اردک پشت سرش بودم یهو وایساد هواسم
 نبود باکله رفتم توکمرش

_چیزه بخشیدهواسم نبود

_توکه هواست نیست چیجوری میخوایی کارایی اینجانجام بدی

_شماهم هی تیکه بنداز هواسم نبود چه میدونسم میخوایی وایسی

_خوبه زبونم داری بیاینجا جایی توه

_مرسی خوب چیکارکنم الان

_هیچی بشین منونگا کن ببین چی کشف میکنی



چشام داش از حدقه میزد بیرون منوداش میخورد درسته نباید کم میوردم

_باشه بزار قشنگ ببینم ا ریشات بلندشده نره تودهنت

_کم نیاری مهم خودمم میخوام اصلا بره حلقم

_خیلی پروی

_جانم

_گوش که داری از تکرار یه حرف مقدورم

زود رفتم نشستم سر جام مهلت حرف زدن ندادم بهش دیدم یه عالمه پرونده آورده واسم

_خانوم بناه لطفا این پرونده هارو چک کنید بهشونم زنگ بزنید واسه جلسه

این چی گفت بهم گفت بناه فامیلیمو مسخره کرد دارم برات نیومده شروع شد



_ الو هواستون کجاس خانوم بناه

_ اقای حسن من خانوم عمرانی هستم نه بنا

_ ا چه جالب منم محسنی هستم

_ منم عمرانی هستم

_ عجب بهشون زنگ بزنیدبگین بیان ساعت سه یادتون نره

_ بله حتما

یه جلسه ایی نشونت بدم کیف کنی پسره پرو

خدایا چقد پرونده اخه بیکاری مگه با این همه ادم جلسه چی چی بزاری مردم بیکارن

هر چی زنگ میزدم مگه تموم میشد ساعت دوازده بود به همشون زنگ زدم گفتم



دهنم کف کرد انگار رباطم من

_زنگ زدین

_بله

_خوبه میتونین استراحت کنید

_خوب شدگفتین نمیدونسم یه موز دراوردم شروع به خوردن کردم

سرماوردم بالادیدم داره نگام میکنه

_چیزی شده

_تعارف کنی بدنیس

یه نگاه به موزم کردم دیدم اخراشه یه گازم زدم تموم شد بادهنم پرگفتم

_اوا ببخشید یه ذره موند که خودم خوردم



به ذره نه کلشو تعارفم بلندنیستی بادهنم یرم حرف نزن خانوم بناه

انقدحرصی شدم گفت بناه داشت میرف پوست موز انداختم زیر پاش این نیوفتاد

چنان با باسن پخش زمین شد فقط دلمومیگرفتم میخندیدم هنگ کرده بود

رواب بخندی اینجا شرکته اشغال دونی نیست که اشغال موزو میندازی دفع اخرمیبینم

تاشماباشین نگین بناه اقایی حسن

دارم واست بناه روز اول این هستین وای به روازی دیگه

رسیدم به شرکت سواراسانسورشدم طبقه ده زدم به همه سلام دادم بازم اون پیرمرده

اومد

سلام دخترم خوش اومدی



_سلام مرسی ببخشید من الان کجا باید باشم اقامحسنى نىستن

_نه الان مىاد بىابشين تاخودش بهت بگه

_ممنونم

نشستم تا بىاد حالامگه حضرت عالى مىان كفرىى شده بودم همون موقع شد كه اومد

_سلام اقامحسنى

_سلام بامن بىابن

وا اين چرا انقد تخسه دنبالش رفتم مٲ جوجه اردك پشٲ سرش بودم يهو وايساد هواسم

نبود باكله رفتم تو كمرش

_ چيزه ببخشيد هواسم نبود



_تو که هواست نیست چیجوری میخوایی کارایی اینجانجام بدی

_شماهم هی تیکه بنداز هواسم نبود چه میدونسم میخوایی وایسی

_خوبه زبونم داری بیاینجا جایی توه

_مرسی خوب چیکارکنم الان

_هیچی بشین منونگا کن ببین چی کشف میکنی

_چشام داش از حدقه میزدبیرون منوداش میخورد درسته نباید کم میوردم

_باشه بزار قشنگ ببینم اِ ریشات بلندشده نره تودهنت

_کم نیاری مهم خودمم میخوام اصلا بره حلقم

_خیلی پروی

_جانم



_ گوش که داری از تکرار یه حرف مقدورم

زود رفتم نشستم سر جام مهلت حرف زدن ندادم بهش دیدم یه عالمه پرونده آورده واسم

_ خانوم بناه لطفا این پرونده هارو چک کنید بهشونم زنگ بزنی دواسه جلسه

این چی گفت بهم گفت بناه فامیلیمو مسخره کرد دارم برات نیومده شروع شد

_ الو هواستون کجاس خانوم بناه

_ اقای حسن من خانوم عمرانی هسم نه بنا

_ ا چه جالب منم محسنی هستم

_ منم عمرانی هستم

_ عجب بهشون زنگ بزنی دبین بیان ساعت سه یادتون نره



بله حتما

یه جلسه ای نشونت بدم کیف کنی پسره پرو

خدایا چقد پرونده اخه بیکاری مگه با این همه ادم جلسه چی چی بزاری مردم بیکارن

هر چی زنگ میزدم مگه تموم میشد ساعت دوازده بود به همشون زنگ زدم گفتم

دهنم کف کرد انگار رباطم من

زنگ زدین

بله

خوبه میتونین استراحت کنید

خوب شد گفتین نمیدونسم یه موز دراوردم شروع به خوردن کردم

سرمواوردم بالادیدم داره نگام میکنه



چیزی شده

تعارف کنی بدنیس

یه نگاه به موزم کردم دیدم اخراشه یه گازم زدم تموم شد بادهنم پرگفتم

اوا ببخشید یه ذره موند که خودم خوردم

یه ذره نه کلشو تعارفم بلندنیستی بادهنم پر حرف نزن خانوم بناه

انقدحرفی شدم گفتم بناه داشت میرف پوست موز انداختم زیر پاش این نیوفتاد

چنان با باسن پخش زمین شد فقط دلمومیگرفتم میخندیدم هنگ کرده بود

رواب بخندی اینجا شرکته اشغال دونی نیست که اشغال موزو میندازی دفع اخرمیبینم

تاشماباشین نگین بناه اقایی حسن



_دارم واست بنه روز اول این هستین وای به روزی دیگه

_راستی امروز کارامون زیاده تاشیش بمونید

_اما

نذاشت حرفموبزنم رفت مغرور

نمیدونم چراولی یه حسی داشتم نصبت بهش یه جوارییی خوشم اومده از اخلاقش عصبی
شدنش نکنه بایه نگاه عاشق شدم بیخیال فکر کردن شدم به کارام رسیدم این شرکت نظم
نداشت منشی قبلی چیکار میکرد پس اینجا ساعتودیدم شیش بود

_خانمه بنه پرونده هاروبیارین واسم تواتاق چاب گر

_چشم الان میارم

_قبل رفتن پاشدم برم دست به اب که دیدم شرکت خالیه کسی نیس کجارفتن اینا پس

تق, تقی به در زدم رفتم تو



پرونده‌ها رو آوردم

الان نگاه میکنم

به سوال چرا کسی، نیس کجارتن

اونا واسه جلسه فردا باید یه چند جامیرفتن تحقیق میکردن زود رفتن مشکلیه

نه

خوبه لطفا اون پنجره باز کنید هوا گرمه

انگار کلفتشم دستورم میده اقا

رفتم باز کردم رومبل روبه روش نشستم

یهو چنان صدایی اومد دو متر از جام پریدم



چـی شد

پنجره باز کردین باد زد در بسته شد

الان میخوایی بگین مقصر منم باید بگم که شما گفتین

خب من که چیزی نگفتم

من میتونم برم

بله

مرسی خسته نباشید خدا حفظ

بسلامت

پاشدم که برم درو باز کنم هر کاری کردم باز نشد حال امن چیکار کنم باز نمیشه در

چیزی شده نگو که نمیخوایی بری



_اره اخه میدونید از بس خوشم میداد اینجا بمونم

نخیرم در تون باز نمیشه

_و ایسا پیام باز کنم اخه تو چه به در باز کردن زورنداری که

_وا مگه در باز کردنم زور میخواد مثلاً خواسین بگین مردین زوردارین

نخواستم خودم باز میکنم

_باشه پس من میشینم تو باز کن

هرکاری کردم باز نشد خوبه یه دره نکنه لاغر شدم دیگ جون ندارم مریض شدم یعنی

_بزار پیام دیدی نتونسی

_اقایی شجاع قویی بفرما ببینم چیکار میکنید



__بروکنار

توان هیروی ویرری خندم گرفته بود عجب گرفتاریی شدیم اینم هرکاری کرد باز شه نشد
رسماً موندیم اینجا

__چیکار کنیم الان

__نمیدونم

میزدم به دربلند دادمیزدم

__کسی نیست کمکمون کنه در باز نمیشه اهای

__سر شالیزار نیستی که کسی نیست بود که باز میکرد

__خوب شد گفتین عجب مخی دارین میدونم گفتم شاید یه نفر باشه یا رد بشه

__نیس اگ بود باز میکرد جیغ جیغم



مجبور بودیم بشینم تایه فکری ب ذهنمون برسه یایه معجزه ایی بشه هیچیم نبود که در
بازکنیم باهاش منم ناهارنخورده بود گرسنم بود حالتوان وضع سکسکم گرفته بود

چراسکسکه میکنی تو

_چیزی اینجاخوارکی ندارین گشمنه

این همه میخوری کجات میره پس

بایدجواب بدم ناهارنخوردم

من یدونه بیسکویت دارم بیا بخور

مرسی

رفتم که بگیرم دیدم یه ثانیه نشد همشو خورد بزور تودهنش جامیکرد دوس داشتم

خفش کنم



_چیه چرا اینجوری نگاه میکنی اوا ببخشید یادم رفت بدم همین یه ذره بود که من

خوردمش

_کوفت شه تلافی میکنی

_نوش جونم

_ایش

یساعت گذشت سکسکم بندنمیومدموند

الان

که صداس دراد باز

_ای بابا خب اب بخور گوشم رفت



_کواب اخه

_هواست که هیچ چشاتم مشکل دارن بغل اون کمدو ببین اب سردکن هست

_اها خب ندیدم

_کل کل نکن بخور

اب خوردم ولی انگارنه انگار امروز لچ کرده باهام

_وای

_چته تودختر ترسیدم

_به خانوادم زنگ نزدم الان نگرانم میشن گوشیمم رو میزمه

_اینجام که تلفن نیست بیاگوشی منوبگیرمن که هرکاری کردم انتنم نیومد که زنگ بزnm

ببین تومیتونی



_مرسی

گوشیوگرفتم زودباید زنگ میزدم اما انتن نداشت هی چرخیدم تاانتش بیاد که یهو پام
گیرکرد به سیم چاب گر داشتم می افتادم که منوازپشت یکی گرفت

دستش روکمرم بود خم شده بود جلوصورتم جوری که نفساش به صورتم میخورد
چشایی قهویش یه حسی به ادم میداد این چه حسیه اخه همین جوری بودیم که یکی درو
باز کرد هول کردیم زود خودموجمع جورکردم

_آرین تواینجایی ازکی دنبالتم چراچیزی نگفتی زنگ نزدی

_در بازنمیشد هرچقدم در زدیم کسی جواب نداد اینجاکه تلفن نداره خانومم که
گوشیشون رومیزشونه منم که گوشیم انتن نداشت

_باشه حالا بیاین

اول من مثل چی پریدم بیرون گوشیموگرفتم ده میسکال داشتم ازخونه و بابا زوززنگ

زدم



_ الو بابا سلام

_ الو اوا کجایی تو چرا زنگ میزنیم جواب نمیدی

_ ببخشید بابا قضیعیش طولانیه میام میگم الان راه میوفتم که پیام نگران نباشید

_ باشه عزیزم زود بیا

کیف مو برداشتم داشتم ارین گفت

_ وایسامیرسونمت شبه

_ نه ممنون میرم

_ گفتم میرسونم



حرفی نزدم پست سرشون رفتم دوستش محمدجلونشست منم پشت عجب ماشین
میشینی انگار داخل هواپیمایی ولم میکردم پامودراز میکردم میخوابیدم

_از کدوم طرف

_دیگه نزدیکه زحمت نکشین میرم پیاده

_دختر تو اصلا حرف گوش کن نیستا کدوم طرف

_مرسی از نظرتون کوچه بیست یکم ممنون

منورسوندم خدافظی کردم رفتم بالت درو باز کردم سلام دادم مامانم بدقاطی کرده بود

_معلومه کجای تو اوا مردم زنده شدم گوشیتم که هیچ وقت جواب نمیدی

_زهرا اروم باش بزار برسه خودش میگه چی شده



کل داستان گفتم خندیدن مامانم اروم شد

_مامان شام چی داریم

_ماکارانی با ته دیگ سیب زمینی

_به به بریم پس

_اجی از روبگم ازالان تیک برامنه اون سری تو خوردی

_نه بابامن عاشق ته دیگ سیب زمینی ام

سرمیزانقدکل انداختم که بابام گفت

_دعوانکنیداصلا بیاین منم بخورین



طرز گفتن بابام خیلی باحال بود همون خندیدم ته دیگم خوردیم انقد خسته بودم رفتم

بخوابم

باصدایی گوشیم پاشدم دیدم ارزو خوابه باید تلافی میکردم خدا رو شکر یدونه موش ژله
ایی از شمال گرفته بودم یادگاری اخه کسی نیس بگم اینم یادگاریه

اونو ورداشتم گذاشتم بغل صورتش شروع کردم به داد زدن

_وای ارزو موش

این دختر رسماً دلک بود پاشد رو تخت بالا پایین میکرد میگفت

_الان میره تو گوشام بگیرش بکشش لهش کن تیک تیکش کن مامان

دلم گرفتم میخندیدم ازیه طرف طرز گفتنش ازیه طرف بالا پایین کردنش انقد خندیدم که

نگو بد تازه فهمید کار من بود

_وای جعبه خندم ترکید ارزو اول صبی رقصت گرفته

_اره دارم عربی میرقصم همراهیم کنی عالیه میشه واقعا که داشتیم سخته میکردم



_ارزو اوا چتونه اول صبی

_مامان تورو خدا اگه نون خشکی سرکوچه اومد فقط بده بره

_ارزو خودت به نون خشکی برو تازه شلوارشم دو نفرس جامیشین نیاز به خرج اضافم

نیست

_خجالت بکشین بیاین صبونحه بخورین ازدست شمادونفر

کلی خندیدم خوبه ارزو هست میخندم دوسش دارم

زوداماده شدم برم دیرم نشه یه لقمه بزرگ درست کردم رفتم سرکوچه رسیدم دیدم

یکی هی بوق میزنه

_مردم اول صبحم ول نمیکنن مامیگیم قعطی شوهر نگو قعطی دختره اول صبحم دنبال

ادم میان

_خیلی از خود راضی هستی



صداش چقداشناس این که آینه

_سلام

_دیدم داری میری باون لقمه بزرگت گفتم مسیریکیه برسونمت اول صبح شدیم مزاحم
چرا چون قعطی دختره

_اینوکه راست گفتم ولی نمیدونسم شمااین ببخشید فکر کردم مزاحمه

_عین نداره بیا سوارشو دیر برسی اخراجی

_پی خودتونم اخراجین اگه من دیربرسم شما نمودارین میبرین دیگه

_روتو برم دختر

سوار ماشینش شدم چرا دورغ خوشم اومده ازش خیلی باحاله هرچندیکمم تخسه ولی
خوبه مهربون رسیدیم دم شرکت تشکر کردم رفتم به کارام برسم

از زبان آراین



_دختر خوبیه به دلم نشسته چشایی مظلومی داره نمیدونم چرا به دلم نشسته امروز یه جلسه خیلی مهم دارم ازدیشبم یه متن نوشتم واسه سخنرانی رفتم پشت میزم نشستم به کارام برسم فکر این دختره از سرم بیرون نمیره دخترسنگینه اروم درعین حال زبون دراز ولی کل کل باهاش دوس دارم حال میکنم انقدساعت زود گذشت ساعتودیدم شده بود دو یه ساعت دیگ جلسه دارم متن یه باربخونم که خراب نکنم هرچی دنبالش گشتم نبود

وای خدایچیکارش کردم خیلی مهمه واسم وای ابرومم میره خیلی هول کرده بودم عصبی بود یهو یکی در زد اوا بود

_بفرمایید

_اقایی محسنی امروز جلسه دارین اینم پرونده هایی که میخواستین

_مرسی

_ببخشید چیزی شده انگار خیلی عصبی هستین

_راستش متن سخنرانی گم کردم خیلی مهمه اگه نباشه ابرومم میره



_موضوعش چی بود

بهش گفتم دیدم چیزی نگفت رفت این دختر یه چیزیش همیشه

#اززبان اوا

دلم واسش سوخت یه چندبار واسه بابام متن نوشته بودم برای جلسش تو اداره شایدتونم
کمکش کنم رفتم یه متن واسش نوشتم

خدا خدامیکردم که خوشش بیاد ابروشم نره دوباره رفتم تواتاقش ولی در نزدم چون
دیرشم شده بود رفتم داخل اتاق دیدم بد عصبیه

_اقایی محسنی

_بله

_زنگ زدم کنسل کردم حرص نخورین

_چی چیکار کردی



دیدم بدعصبیه بیخیال شوخی شدم

_شوخی کردم اینم متن امیدوارم خوب باشه کارتون راه بیوفته

_یده ببینم چیکار کردی مگه توام بلدی

ساکت شده بود قیافش عجیب شده بود یعنی متنم

بدشده انقد که تعقیر چهره داده که یهوگفت

_این از متن منم عالی تر شده چیکار کردی تودختر مرسی

_جدی خوشحالم که کمکتون کردم الانم برین دیرتون نشه موفق باشین امیدوارم که

کارتون خوب پیش بره

_خیلی ممنون خدافظ

_بسلامت



رفت منم به کارام رسیدم ساعت چهارنیم بود که دیدم بایه جعبه شیرینی اومده

_خانوم عمرانی واقعا ممنون انقدمتن تون خوب بود که قراردادم بستن باهامون بفرما
دهنتونوشیرین کنین

_جدییی خیلی خوشحال شدم افرین مرسی

_نوش جان افرین به شما نه ما دارین میرین

_بله ساعت چهارنیمه کارامم تموم شدن

_میخواین برسونمتون

_نه ممنون اژانس دم شرکته مرسی

_خسته نباشین بازم ممنون

_خواهش میکنم خدافظ



رفتم سواراژانس شدم به سوی خونه خیلی خسته بودم دروبازم کردم سلام دادم

بدون حرفی رفتم بخوابم

یه هفته بعد

رفتار آراین خیلی عوض شده بودمهربون ترم شده بود دیگه مٹ اولاً تخس نبود توشرکت
یه دوستم پیدا کردم اسمش مریم خیلی دخترخوبیه دیگه تومسیرخونه تنهانیسم

صمیمی شدیم فردا قرارکه دست جمعی بریم کوه حتا آراینم میاد

_اوا بیاناهااردخترم

_چشم مامانی اومدم

رفتم سرمیزکه ناهاربخورم بایدبگم که فردانیسم



_راستی من فردا صبح میرم کوه با بچه ها شب شایددیر پیام نگران نشین

_اجی اوا منم پیام باهاتون

_اره چرا که نه تازه خوش میگذره

_ایول

_خوبه دیگه دوتاتون واسه خودتون تصمیم میگیرین من که مادرتونم نقش هویج دارم

_منو ارزو انقدخندیدیم طرز گفتن مامانم بامزه بود

_مامان میخواین شماهم بیاین

_نه شوخی کردم برین خوش بگذره مواظب همدیگم باشیم

_چشم



ناهارم خوردم امروز جمعه شرکت تعطیل ادم توخونه حوصلش سرمیره یهوگوشیم زنگ

خورد

_به به اوا خانوم کم پیدایی زنده ایی هنوز

_روتوبرم دختر من تاتونکشم نمیمیرم مطمئن باش

_نگو تو الانشم منو کشتی

_ دیونه

_خوب بسه زیادی مزاح کردیم امروز چیکار میکنی

_هیچی خونم بیکار چطور

_خوبه پس آماده شومیا دنبالت بریم پارک یکم بچرخیدم

_فکر خوبیه بهتر از خونه موندنه باشه من برم آماده شم کاری نداری دخمل



_قربونت دخیل گفتنت پسمل نه ده ديقه ديگه دم خونتونم

_باشه دفع اخرميگي پسر بهم خدافظ

_خب حالا خدافظ

رفتم درکمد باز کردم يه شلوار کرمي برداشتم با مانتو مشکی با شالوکيف کرمي
هرچند زياد اهل ارايش نيسم ولي يکم که بد نيس يه برق لب يه خطم چشم حله خدایي خوشگلم

يه ب*و*س محکم واس خودم فرستادم رفتم

_مامان من ميرم بيرون بامريم

_زودبيا مواظب باش

_چشم خدافظ

_بسلامت

رفتم پايين ديدم مريم همون موقع رسيد



نه افرین خوشم اومد به موقع میایی

بله پس چی فک کردی شما سوارشو

سوارشدم اهنگ تا اخر زیاد کرده بود پرده گوشم داش پاره میشد بلند صداش میزدم

مریم

مریم

چته چراداد میزنی کرم مگه

کمش کن مگه عروسیه ملت دارن نگامون میکنن سنگین باش خانوم

اوه چه لفظه قلمم حرف میزنی

تواخرازمن یه کتک میخوری



بپر باین رسیدیم پارک ملت

بپر چیه بی ادب

اوا

کوف

اخه ساعت چهار ظهر کی میاد پارک که ما اومدیم

عمت

من تومیکشم وایسا

مریم بدو من بدو یه چند تا پسر م بودن مسخرم می کردن موش بدو گربه تورو نگیره

از یه طرف نفس کم اوردم از یه طرف دیگه خندم گرفته بود



_مریم وایسا نفسم

_کم آوردی چه زود

_همه که مژ تو قهرمان نیسن

_خجالتم نده خواهر بیابریم تاب سواری یاد بچه گیا

_خجالت بکش خرس خنده مگه جامیشی روتاب واسه بچه هاس مگه بچه ایی تو

_کودک درونم پیدا کردم نازنکن بیاجامیشیم

رفتیم من ریزه میزه بودم بزور جاشدم امامریم یکم توپله قیافش خیلی بانمکه گونه
برچسته چشم موابروبی مشکی دماغی که به صورتش میومد فقط یه کوچولو توپله وگر نه که
خیلی بانمک خوشگله

رفت سوارتاب شه خودشوبزورداشت جامیکرد

_ شاید یه بچه ایی توپله باشه چه گ*ن*ا*هی کرده اخه جانمیشه که

_ الهی جانمیشی



_میشم ببینم آا نشستم

این اومدبشینه تاب رفت عقب این با باسن پخش پارک شد دستش روباسنش بود

من انقدخندیدم انقدخندیدم یهودیدیم چندنفردیگم دارن میخندن برگشتم دیدم همون

پسران

_اوا کوفت نخندپاشودستموبگیربلندشم ابروم رفت

_تاتوباشی گوش بدی گفتم جانمیشی واسه بچه هاس

_خوب نصیحت نکن پاشودیگه کم بخند

رفتم کمکش کردم تاخودماشین دستش روباسنش بود میگفت شکسته فک کنم منم هی

میخندیدم

_شایدباورت نشه پخش پارک شدی قیافت دیدنی بود

دخترمردم ارخنده



_ همه که مژ تو مارملک نیسن که

_ مارملک بودن بهتراز توپ بودن

انقدکل کل کردیم نفهمیدم کی ساعت شد شیش

_ مریم بریم دیرم شد بایدبرم خونه

_ بریم راس میگی

منورسوند دم خونمون رفت رفتم خونه واسه همه تعریف کردم کلی خندیدیم شام خوردم

رفتم روتختم ولوشدم به گوشیم اس ام اس اومد

_ نه اینکه آرینه

_ سلام خانوم عمرانی امروز خیلی خوشگله شده بودین بهتون خوش گذشت

_ سلام مرسی ولی شما منوکجایدین



_تویی پارک بامادرم بودیم که دیدمتون فردامیاین کوه

_بله میام شماچطور

_بله منم میام مشتاقم واسه فردا شما ببینم

_چیزی شده آقای محسنی

_فردا میگم بهتون شبتون خوش

_شب شما هم خوش

این فرداچی میخواد بهم بگه وقتی اس ام اس داد قلبم شروع کرد به تند تندزدن یه حسی داشت انگار دوش دارم الان چندماه که تو شرکتش کار میکنم خیلی خوب شده باهام کلی میخندیم بهم کمک میکنیم یعنی چی میخواد بگه پنج دقیقه نکشید خوابم برد

#از زبان آرین

اره این دختر به دلم نشست من دوش دارم باید ازش درخواست ازدواج کنم



میدونم خوشبختم میکنه تو رویاهام همچین دختری میدم ولی الان واقعی میبینم
میخوامش به مامانم گفتم امروز نشونش دادم

انگار خوشش اومده

فردا بهش بگم

نگه نه نکنه از من خوشش نیاد خداجونم خودت کمک کن

مشتاق فردا بودم زود خوابیدم

#زبان او

صب بلندشدم

ارزوبایدبیدارمیکردم دیرمون نشه

_ارزوپاشو دیگه اینجوری میخوایی بیایی کوه بدو دیرمون میشه ها



_اوف خواب دارم

_باشه پس من خودم میرم

رفتم دستو صورتو بشورم صابونچه خوردم رفتم امده شم که دیدم ارزو امادس یه عینک

موش کوریم به چشش زده

_ارزو توکه خواب داشتی مبینم روز ترا من اماده شدی اون عینک موش کورانت چیه

دیگه

_اجی یکم بامد پیش برو عینک موش کوری چیه دیگه

_بیامنوبخور والاه زبونی داری

_نه مرسی میرم صابونچه بخورم

_روتوبرم من دختر



رفتم آماده شم یه شلوارمشکی پوشیدم بایه تونیک پوست پیازی و مقنع

اینجوری راحت ترم یه کتونی هم رنگ تونیکم یه کوله که وسایلموتوش گذاشتم زنگ زدم

به مریم

_الوسلام خوبی مریم من امادم بیا

_سلام باشه عزیزاومدم بیاین پایین

_باشه

رفتیم سوارماشین مریم شدیم دوساعت توراہ بودیم بلخره رسیدیم

فقطی که رسیدیم آرین بایکی ازدوستاش بود سلام علیک کردیم رفتیم

_اوا

این آرین بودبهم گفت اوا واقعااسمموصداکرد هول شدم دیدم ارزو ازمون جداشداین

دخترچقدزرنغه



بله

میخواسم یه چیزی بهت بگم چیجوری بگم

باشه بگین

راستش از اون موقع که اومدی شرکت به دلم نشستیم حتا کل کل با توام دوس دارم
نمیدونم یه حسی دارم اوا من میخوام بهت بگم دوستت دارم بامن ازدواج میکنی

من هنگ کرده بودم آرین ازم درخواست ازدواج کرده هول کردم تو حال خودم نبودم

از حرفتون خیلی شوکه شدم

ببخشید خیلی زودو هول هولکی گفتم اما من واقعا دوستت دارم اون روز تو پارکم به
مادرم نشونت دادم خوشش اومد

من واقعا نمیدونم چی بگم

که یهو ارزو پرید وسط



– ابلخره یکی اجی اوا مارومیگیره

– ارزو باز تو حرف زدی

– اجی اگه بری خودم عروسی میگیرم اصلا

– ببینم ارزو خانوم چقد نذر نیاز کردی که خواهرت شوهر کنه

– نمیدونم والاه زیاده

سه، نفریمون خندیدیم

– بسه بریم مثلا اومدیم کوه

– اونم چه کوهی

#از زبان مریم



_اوا آرین چی میگفت بهت که الان نیشتم بازه

_مریم شاید باورت نشه چیزی که تودلم بود خودش اومد بهم گفت بهم ازم خواستگاری کرد گفت دوسم داره مریم خیلی خوشحالم آرین پسره خوبیه از اول به دلم نشست

_مریم الوکجارتی

_من هیچی بریم صبونحه بز نیم تورگ

_بریم

_اینوبگم امروز همه گی مهمون منین

_ن بابا آرین از کی دست دلباز شدی منی که دوستتم دعوت نکردی تا الان

_لیاقت میخواد اقا محمد

_اوه



_من گشتمه

_ارزو الان کیک خوردی که

_تواز کجادی من کیک خوردم

_منم برم یه جابشینم یواشکی یه چیزی بخورم بغل لباموپاک نکنم همه میفهمن دیگه

همشون زدن زیرخنده ارزو توانون حال قیافش دیدنی بود فک نمیکرد من بفهمم

آرین صبونحه دعوتمون کرد ولی نمیدونم چرا مریم پگر بود

_مریم چته چرا اخماتوهمه

_من هیچی نیس خوبم

_بچه ها بسه کم بخورین پاشین بریم



پاشدیم بریم آرین ارزو محمد کلی مسخره بازی در میاوردن مردم و سرکار میزاشتن

تورو یاهایی خودم بودم با آرین من دوشش داشتم باورم نمیشه ازم خواستگاری کرده
نمیدونم چی شد افتادم زمین

_اوا خوبی چیزیت نشده بینم پاتو

_خوبم اقایی محسنی چیزیم نشده

_اجی شوهر کردن که هول کردن نداره

_ا په بگواقا آرین چرا امروز مهمونمون کردن من میگم این مهمون نمیکنه نگو جریان اینه

_حسودیت میشه اقا مملی

_نه داداش تو زن بگیری که خوبه عقلت میاد سر جاش

_دیونه



_اوا میخوایی بریم دکتر مطمئنی خوبی هواست کجاس اخه

_گفتم که خوبم نگران نباشین

_والاه ماهاکه نگران نیسم اقا آرین داره پر پرمیزنه

_فک کنم دیشب شما ارزوتواب نمک خوابیدین

_من نه اجی روتختم بودم خودت که دیدی

_راست میگه منم روتختم بودم همتون شاهدین

_بامزه

مریم چش شده بود حرف نمیزد برعکس ارزومحمد هی حرف میزدن آرین هی میگفت

خوبی چیزیت نشده ازاینکه نگرانم شده بود خوشم اومد

_اوا



بله

به جونم بگی چی میشه

اوه خب جونم

دیگ بهم نگو اقایی محسنی

چی بگم خوب

اوا خانوم قراربشم اقا بایدبگی آرین

فقطی بهم گفت قراربشم اقات ته دلم خالی شد چقد دوست داشتم دوباره همین کلمه

تکرار کنه

اوا هواست کجاس نگفتی نظرت چیه؟؟

آرین بایدفکرکنم

به باردیگه اسمموبگو



وا آرین

ازدنت توگفتن آرین چقدشیرینه اوا میدونم زودگفتم زود دل بستم به میگن ادم یه
دل نه صد دل عاشق میشه با یه نگاهمینه من اعتقاد پیدا کردم همون روز اول هنگ بودنت
چشایی مظلومت به دلم نشست تونمیخوای چیزی بگی اوا حرفتوبزن

شمادوتاچی میگین اینجا بیاین دیگه

به موقع به دادم رسیدم دلم میخواست بگم منم همون روزاول به دلم نشستنی اما به زبونم
نیومدقفل کرده بود رفتم پیش اون سه نفرنفهمیدم چرا مریم اینجوریه

مریم چته شده امروز توکه همیشه خدانشنگول بودی امروزه چته شده

هیچیم نیس

مریم تکون بده هو کون بده مریم بایدبرقصه ازشوهرنداشتش نترسه پاشومجلس گرم

کن

اقامحمدزرنگی خودت تکون بده



_اِخه یادم رفت توپی تو

همه خندیدن این محمد عجب بشیری بودا

_کجامن توپم از تو نوک مدادی که بهترم اهامیترسی برقصی بشکنی

_واه واه دخترایی الان کم نمیارن

_راست میگه اقامحمد پاشو برقص واسمون منم جیغ اوا دست اقاآرینم اهنگ میزنه

مریمم سوت تکمیلیم حله

_باشه هرکی نرقصه بزنین برقصم

ارزو اهنگ kuros ناز نکن خوندماهم پشت بندش

_ناز نکن نازنکن بادل عاشقاهره اوازنکن

_تابب*و*سم لبات فقطی خواب چشات تاجشات شانه ایی سرظلف ه سیات



_ای دختر بندری خوشگلودل بری توبانازو ادات دل بل میبری

_نازکن نازکن بادل عاشقا قهر و او از نکن

_تا چشات شانه ایی سر ظلف سیاه

_ابرو کمون بالو بلندی یار بندری خیلی قشنگی کاشکی بیایی بامو بمونی با دل زاروم

عهدی ببندی

_چشات ب دل اتیش کشیده چشات سیاه روم رنگی پریده

_ای دل بروم قدت بلنده چشات سیاه موهات کمندی

_حال دست دست

_بابا ارزو دمت گرم

فکر نمی کردم بخونی عالی بود



_ خجالتم ندین ای بابا

خیلی خوب بود آریتم میزد رو سبده میوه ها

خیلی باحال بود فکر نمی کردم ارزو بخونه یهو آریتم گفت

_ بابا ارزو دمت گرم عالی بود

_ خجالتم ندین بریم اهنک غمگین بخونیم

_ صداتو گرم نگه دار تاشب کلی مونده

_ پاشین بریم یه جایی توپ

_ کجا

_ پاشین جایی بد نمیبرم که



بریم داداش من پاییم دخترا نمیدونم ولی ارزو پایس معلومه

من چهار پاییم

منم میام بریم مریم تومیایی

نه من خونه کاردارم بایدبرم به شما خوش بگذره

پس شما دوتا بیاین توماشین ما

باشه

نمیدونم چرا مریم امروز اینجوری بود منم زورش نکردم بیاد وسایل جمع کردیم رفتیم
سوار ماشین آرین شدیم اهنگ رامین بی باک گذاشته بود عاشق این اهنگم

به من یه فرصت دیگه بده نگو چیزی نبوده بینمون

تورو خدا فقط واسه یه بار روحرفایی که زدی بمون

نباید اینجوری جدابشیم اخی هنوزم عاشق توام

توهر چیزی که بگی باجونو دل موافقم



_دوباره دستاموبگیر بزار تموم شه این روزایی لعنتی نمیخوام اینجوری تموم بشه روزایی

که باتو قدم زدم

*

*

*

آرین داشت از ایینه ماشین نگاه میکرد من عاشق آرین شدم چشاش باهام حرف میزنه
باآرین رویاهایی دارم میخوادبشه مرد من فکر نمیکردم روزی منم انقدکسیودوس داشته باشم

_اقاآرین تمام غصه وبدهکاریم اومدجلوچشام اهنگو عوض کن

_ا ارزو قشنگه من دوسش دارم

_راست میگه بچه منم یاد زن نداشتم افتادم اهنگ بعدی

_اچه محمدکی به تو زن میده که به فکرشم افتادی

_پ نه پ به تو زن میدن من چمه



هیچی خول وزنی

زدیم زیرخنده انقداین دوتا غرزدن عوض کردیم اهنگو شادگذاشتن این دونفردیونن ارزو
محمد ازصبح مردم و سرکارمیزارن هرکی میدیدن کلشونومیداختن بیرون میگفتن اقا پولت
افتاده زمین اونا دورخودشون میچرخیدن کلی خندیدم که رسیدم پارک ارم

اخجون پارک ارم

دمت گرم ارم و عشقه پاییه ترم هوایی به حساب آرین

منم که خدادادی چهارپاییم اقا آرین حساب میکنه به به

شما دوتا منوامشب خالی نکنید همیشه

بابا آرین خسیس نشو یه امروزه

خب بابا بریم



اون دوتا جدا جدا رفتن منو آرین تنهاموندیم به این دونفر نگاه میکردیم چه جورم شدن با
یهو آرین درگوشم گفت

_ خانوم من به امروز هواسش کجا توماشین به چی فکر میکردی اوا

_ به تو

_ جدی

_ اوهوم

_ به چی فکر میکردی حالا

_ اینکه.....

تاتونسم دویدم آرین پشتم اون دوتامثل گیجا نگامون میکردن هنگ کرده بودن
انقددویدم نفسم گرفت

_ خانومم نمیتونی فرار کنی بگو اینکه چی

بازموگرفته بود توچشام نگاه میکرد فقط



_آرین

_جونه آرین

_میخوام بگم دوستت دارم

_چی دوباره بگو

_من دوست دارم

_اوا درست میشنوم توام دوسم داری

_اوهوم

اومدنزدیک تر درگوشم زم زمه کرد

_من عاشقتم خانومم

باگفتن حرفش قلبم شروع کرد به تند تند زدن

_اوه لیلی مجنون

_حرف نباشه بیاین بریم



_من برم بلیط بگیرم واسه ترم هوایی

_اجی آرین دوست داری

_شایدبورت نشه ارزو میگن بایه نگاه عاشق میشی همینه روز اول شرکت نگاه کردنش
ادمودیونه میگرد کل کل کردن باهاش امروز بهم گفت اونم دوستم داره بورت میشه ارزو

_اره بهم میان عشق دیگه خبرنمیکنه که

_به کسی نگو باشه

_این قلب من جایی امنیه خیالت راحت

_افرین بریم

رفتم سوار ترم هوایی شدیم ترسیده بودم منوارزو یه جا محمدوآرین یه جا

یه چندتا پسرودخترم جلومون

اول میگفتن بریم جلو من مخالفت کردم همینم بزورسوارشدم

آرین ومحمد,جلونشستن منو ارزوعقب ترم شروع به رفتن کردن ازم بودعمر

سوارمیشدم ولی مجبورشدم نباید ضعف نشون میدادم مسخرم میکردن ترسو قلبم داشت میومد



تو حلقم روم نمیشد جیغ بزخم یهودیدم آرین و محمد شروع کردن به داد زدن منم که از خدا بود
داد زدم ازیه ورم ارزو همه چیوقاطی کرده بود میگفت

_یا خدا یا ابولفضل خدا غلط کردم

خندمم گرفته بود خیلی ترسناک بود قیافه همون دیدنی بود هی دعا دعا میکردم تموم
شه بلخره شد پیاده شدیم

_وای من دیگه سوار نمیشم نمیدونسم کدوم امامو صدا بزخم

_ارزو خیلی باحال بود از جیغ دادت خندمم گرفته بود

_خودتون دیدی قیافت دادمیزد غلط زیادی کردم

_بچه ها عکسو ببینین

_وای منو دهنم چقد بازه

_چشایی محمدم وای دلم



فقط میخندیدیم بعدش رفتیم پیتزا خوردیم انقد خسته بودیم زوداومدیم

_ دستتون درد نکنه خیلی خوش گذشت

_ خواهش مگه میشه باشما باشیم خوش نگذره

_ آراین خوبه نگفتی مگه میشه من باشم خوش نگذره

_ محمد پیادت میکنم خودت بری خسته نشدی از صبح بانمک بودی

_ اوه اقا قاطی کردتسلیم

_ برین دیگه خسته شدم مرسی خدافظ

_ ارزوم قاطی کرد خستگی زده ب سرهمتون

_ ممنون دیگه منم برم خدافظ



_خدافظ

رفتیم بالا سلام دادیم انقدخسته بودیم قبل خواب به آرین فکر میکردم خانومم گفتنش اوا
گفتنش،برام خیلی شیرینه آرین رویای منه

صب بایدبرم شرکت بایدزودم.بخوابم بافکرکردن به آرینم خوابم برد

اوا دخترم پاشو بایدبری شرکت

_ساعت چنده

_هفت پاشو دیرت نشه

بزور پاشدم آماده شدم مثل همیشه یه لقمه بزرگ د به دو رفتم سوار تاکسی شدم رفتم
شرکت دنبال مریم گشتم نبوداین دخترکجاس زنگ زدم بهش

_الو مریم زنده ایی



_سلام بلدنیسی به قول خودت تاتونکشم نمی‌میرم

_خب بابا اول صبحی منونخور سلام خوبی چه خبر چرا شرکت نیسی

_حالم خوب نیودنیومدم دیروز خوش گذشت

_چرا می‌خواهی پیام پشت ارع جات خالی دیدمت تعریف می‌کنم

_نه عزیزم مرسی به آرین بگو نمی‌ام

_باشه گلم زنگ زدم حالتو پیرسم ببینم چرانیومدی

_فدات یادت نرع بگی ممنون خدافظ

_باش خدافظ



رفتم که به آرین بگم اینم نبود وا امروز چراهیچکس نیس کجان پس به کارام رسیدم
ساعتودیدم اا بود آرینم نیومدع بود یهوگوشیم زنگ خورد خونس که

_الو جانم

_سلام اوا خوبی امروز زودبیاخوبه شب مهمون داریم

_سلام مهمون کیه نمیتونم زودبیاام اخه مدیرمونم نیس

_بیامیفهمی کیه فقط زود بیا یا

_باشه ببینم چی میشه

یعنی مهمونمون کیه بایدزنگ بزوم به آرین بهش بگم

_الوسلام خوبین



_سلام خانومم مرسی خوبم شما خوبی الان میخواسم زنگ بزnm بهت

_مرسی منم خوب چرا امروز نیومدی کجایی

_من واسم یه کاری پیش اومد مجبور شدم صبح بلیط بگیرم برای کیش ببخشید نشد بگم

شرکتی

_اره منم هستم مریمم نیومده آرین زنگ زدم بگم امروز من زود میرم خونه فکر کنم شب

مهمون داریم مشکلی که نداره

_نه عزیزم برو مواظب خودت باش

_باشه اقایی توام همین طور خدافظ

_قربون اقایی گفتنت خدافظ, خانوم

بهترین حس اینکه که آرین دارم من دوسش دارم خیلی



باید کاراموکنم برم

تند تندانجام دادم داشتم میرفتم که گوشیم زنگ خورد

_الو جانم مامان

_اوا خوبه گفتم زود بیا کجایی تو

_دارم میام چرا عجله داری مهمونمون کیه خب

_بیا خودت میفهمی

_دارم میام چیری نمیخواین

_نه زود بیا خدافظ

واچرامانم امروز اینجوریه عجله داره زود رفتم تاکسی گرفتم برم خونه فقط رسیدم

مهلت حرف زدن بهم ندادن



_اوا برو حموم بدلbas خوب بیوش

_تانگین مهمونمون کیه کاری انجام نمیدم باباشما بگین خب کیه

_حرفی ندارم

_پس منم نه حموم میرم نه لباس میپوشم اصلا از اتاق بیرون نمیام

_اوا دختر امشب برات خواستگار میاد پس برو

_چی یعنی چی چرا بهم نگفتین ارزو

_من هیچ کارم

_بگین نیان

_بیخود حرف یکبار میزنن برو



بایدزنگ بزخم به آریں من فقط آریں خودمومیخوام نه کسه دیگه

_الو آریں

_سلام جونم

_امشب برام خواستگارمیادمن چیکارکنم من نمیخوام

_اوا اروم باش

_یکاری کن اخه همیشه که

_من الان کیشم کاری ازم برنمیاد هرچی قسمت اگ خوب بود برو

_چی خودتی مگه نگفتی دوسم داری اینه دوس داشتنت به همین راحتی حرفتومیزنی

برو



_اوا من بایدبرم کاردارم ایندع و زندگی خودته من پایی حرفم هسم دوست دارم ولی
کاری ازم برنمیاد

گوشیوقطع کردم باروم نمیشه این آرین باشه یعنی همه حرفاش دورغ بود پس رویاهایی
من چی من بهش وابسته شدم مگه میشه اوف

_توکه آماده نشدی برو الان میان

_اما

_اوا چیزی نشنوم زود بیالان میان مابهت یادندادیم که روحرف بزرگترت حرف بزنی
ابرومنوباباتو نبر آماده شدی بیا

_باشه

باید آماده میشدم پسره تخس حرفاش دورغ بود اگه دوسم داشت این حرفونمیزد
تااخرش میموند نمیتونم مامان بابامو کوچیک کنم ابروشونوبرم رفتم یه دوش گرفتم زوداومد
لباس پوشیدم

یه شلوار سفیدپوشیدم با تونیک صورتی خوش رنگ وشال سفید مثل همیشه ازارایشم
خبری نبود جز برق لب



_من آمادم

_بیایین میوه هارو بزار رومیز

_ارزو بیاکارت دارم

_بله

_کی قرار بیاد

_مامان اومدم

_ارزو

دوس دارم خفش کنم انقد حرص خوردم یک کیلوکم کردم ایفون زنگ خورد

_اوا بدو

_الان باز میکنم



ایفون زدم در وردی باز کردم اول یه زنی که بهش میخورد چهل دو

ایناباشه اومد

_سلام خوش اومدین

_سلام دخترم مرسی

پشت سرش ی پیرزنی بود نه اینکه همون پیره زنیه که از خیابون ردش کردم

_سلام مادر جون خوش اومدین

_آ آ سلام خانوم تو همون دختری نیسی اون روز منو از خیابون رد کردی

_بله مادر جون منم خوش اومدین

_دنیا چقد کوچیکه مرسی دخترم



هنگ کرده بودم بدپیرزنه یه دختر جوونی اومد سلام علیک کردم بعدش یه مردی که بهش
میخورد پنجاه چهاراینا باشه باز سلام علیک کردم چقد زیادن تموم بشون یسن بدش یکی وارد شد
که

یکی بود که یه دست گلی بزرگ که گل‌هایی رزقرمز سفید تزیین شده بود عاشق گل
رزقرمز سبد گل کنار رفت نه این آراین خودمه اروم درگوشم گفت

_سلام عشق آراین دیدی که دوستت دارم

_خیلی نامردی میدونی چقد حرص خوردم

_الهی ببخشید

_بفرمایید تو

فکر کنم خیلی ضایع بودیم با بابام مامانم سلام علیک کردن رفتن نشستن باید چایی
بیارم دیگه

_چیه خوشحالی تو که نمیخواسی دیدی آراینه شاد شدی



_اما مامان شما

_ارزو همه چیزو بهم گفته بود صبح رفتی شرکت یکی زنگ زد خونمون مامان آرین بود
بهم گفت آرین تو میخواد امشب قرارخواستگار گذاشتن منم به بابات گفتم قبول کرد

_که ارزو خانوم قلب شما جایی امنه شب کارت دارم

_مامان از زبونم کشید چیکار کنم

_چایی ببر اوا برو دخترم

_چشم

چایی بردم اخر به آرین چشم خورد به چشایی قهوه ایی آرین این چشم مال منه حتا
بانگاه کردنشم آرامش دارم

_پسرم وردار دسته عروسم درد گرفت

_چشم مادر جون



بابایی آرین گفت

_اقایی عمرانی اومدیم برای امر خیر دل پسرم اینجامونده اگه اجازه بدین بریم سر اصل

مطلب

_بله بفرمایید اجازه مادست شماس

_اگه موافق هستین این دونفر برن اتاق حرفاشونو بزنن هرچند حرفاشوزدن

همه خندیدن من داشتم از خجالت اب میشدم که اون پیرزنه که فکر کنم مادر بزرگ آرینه

به پدرارین گفت

_پسرم نگو عروسم لپاش گل انداخت برین حرفاتونوبزنین اگه اقا عمرانی اجازه بدن

_خواهش میکنم این چه حرفیه

پاشدم پشت سرم آرین اومدرفتیم اتاق خودم



_ خانومه آرین ایواکیلیم

_ بعله

_ اوا رویاهامون داره به حقیقت تبدیل میشه باورت میشه

_ اره آرین من دوستت دارم

_ منم دوستت دارم بریم حرفی نمونده که بزنیم قبوله

_ قبوله

آرین چشمک زدو رفتیم پذیرایی انقد خوشحال بودم ولم میگردن قرم میدادم اون وسط
عروس انقد سبک

_ ازقیافه دوتا تو معلومه که موافقین

دوتامون ساکت بودیم



__بیاین بشینین اب شدین

__خوب اقای عمرانی هفته بدسه شنبه عقدکنن

__بله مبارکه

همه دست زدن شیرینی تعارف کردم

خیلی خوشحال بود شیرینی خوردن یکم حرف زدن خندیدن من تو رویاهام بود تو چشایی
آرین نگاه میکردم دلم نمیخواد ازش چشم وردارم که باباش گفت

__اقاعمرانی مادیکه رفته زحمت کنیم مبارک باشه از فردا برن خریدایی که لازم انجام بدن
واسه سه شنبه

__بله حتما شما مراحمی خوش اومدین

__اینم بگم مازید نمیزاریم نامزدباشن حداقل یه ماه یا کم تر شما که مشکلی ندارین



_نه اینجوری بهتره موافقم آقای محسنی

_دیگه بریم دستتون درد نکنه دخترگلم مبارک باشه خوشبخت بشین

_ممنونم

_خب دیگه ما رفتیم با اجازه

_بامادر و مادر بزرگش خواهرش روب*و*سی کردم رفتن منم رفتم بغل پنجره از اونجا آرین
میدیدم داشت سوار ماشین میشد بالارونگاه کرد بهم چشمک زد سوار شد و رفت

از خوشحالی نمیدونم چیکار کنم

_اوا

_بله

_بیابشین حرف دارم باهات

_چشم



_ایشالله خوشبخت بشی اما یادت باشه ادم باید تو زندگی خیلی صبور اروم باشه اگه کسی بدی کرد جوابشو بادی نده خوبی کن بجاش حرفایی که میزنم یادت باشه نصیحت مادرانس الانم بخواب صبح بلندشو برو خریداتو کن چیزی نمونده به عقدت منم رفتم شب بخیر

_مرسی مامان شب بخیر

داشتم میخوابیدم به گوشیم اس ام اس اومد میدونسم آرینه زود پریدم سمت گوشی

_دیدی سر حرفم هستم من اگه اون وردنیام باشه توول نمیکنم اخه اگه ول کنم نفسم

میگیره

_آرین خیلی خوشحالم خیلی

_منم همین طور عزیزم فردا صبح میام دنبالت بریم خرید

_باشه عزیزم منتظرم

_خوب بخوابی خانومی شبت بخیر



شب توام بخیر اقایی

زود خوابیدم که صبح باید بلندشم برم

اوا پاشو هربار که مانباید بیدارت کنیم

ساعت چنده

هشت پاشو که دیرت نشه

پاشدم دستو صورتمو شوستم رفتم آماده شدم شال ابی شلوار ابی کیف کفشم مشکی
یکمم صبونحه خوردم قرار بود آراین ساعت نه بیاد زنگ زدم بهش

الوسلام خوبی آراینم

سلام عزیزم مرسی جونم

من امادم کی میایی



_الان راه میوفتم اومدم بوق زدم بیاپاین

_باشه مواظب خودت باش

_چشم خدافظ

_زوداماده شم تاکی بشینم که بیاد

_مگه چقدراه میادبرو ارزوبیدارکن

باید تلافی میکردم (حرفت توقلبم جاش امنه به کسی چیزی نمیگم)رفتم ریش ریش
شالمو میکردم توگوشش فکرمیکرد مگسه هی بادستاشوتکون میاد خم شدم یه باردیگه انجامش
دادم دستش محکم خورد به دماغم

_ای دماغم چته دیونه

_چی شده



_کوفتوچی شده زدی به دماغم

_من بابا نمیدونم مگس از کجا آمده دم گوشمه اونومیزدم مگه تو مگسی

_ارزو خیلی پرویی تلافی دیشبو کردم کارمن بود مگسم خودتی پشه

_پس حفته محکم تر باید میزدم نمیزاری بخوابم مثلاً داری شوهر میکنی ها

_نه بابا ها مامان گفت بیدارت کنم بری صبونح میل کنی ملکه

_الان میرم مگس جونم

_ارزو

ادا منودراورد بایه لهنی گفت

_ارزو ارزو

_اوا بیا آرین دم در منتظره



_اومدم

_اجی دماغت مثل دلکا قرمز شده

حیف دیره وگر نه میدونستم چیکار کنم باهات

رفتم بیرون از ماشین پیاده شد سلام دادیم اومد در ماشینوباز کرد نشستم

_اوا چرا دماغت قرمز شده مثل دلکاشدی

_آرین توام

_خب اخم نکن ببخشید بگوببینم چی شده

رفتم ارزوبیدار کنم باریشه شالم توگوشش می کردم فکر کردم گسه محکم زد به دماغم

انقدخندید انگار رسماً جک تعریف کردم



_چرامیخندی

_گریه کنم اخه باون چیکارداری اول صبحی

_میخواسم اذیتش کنم

_اخی بیاب*و*سش کنم خوب شه

_نمیخوام پرو

_اوه کجابریم حالا

_ازمن میپرسی

_چیزی خوردی یابگیرم بخوری

_نه خوردم مرسی بریم خریداروکنیم



_شما مر کن

رفتیم یه پاساژ خیلی بزرگ بود خریدامونو کردیم دیگه اخراش بود خسته شده بودم
از صبح بچرخ بچرخ

_اوا خسته شدی بریم ناهار بخوریم بقیش برای فردا دو روز وقت داریم

_اره بریم خسته شدم

وسایلو گذاشت صندوق عقب رفتیم یه رستوران غذا مونم خوردیم

_اوا دیگه چیزی نمیخواهی بگیرم

_نه مرسی سیر شدم

_نوش جونت پاشو بریم

رفت صندوق حساب کرد رفتیم به سوی خونه

_فردا ساعت ده میام خوبه

_اره خوبه بیابالابشین

_نه برم گلم شرکت کاردارم فردا خواستی ارزوام بیار

_باشه عزیزم مواظب خودت باش

_تو ام همین طور خدافظ خانومی

_فداتشم خدافظ

رفت منم رفتم خونه خاله فتانه خونمون بود خیلی خوشحال شدم

_سلام خاله جون خوش اومدی



_سلام عروس خانوم خوبی مبارکه دیگه مامانت به فکرلیته نیس

_ا خاله

_بیابشین تعریف کن ببینم

_نشستم باخاله کلی حرف زدیم از خریدام اشناشدنم باآرین اینکه چقددوسش دارم
انقدگرم حرف زدن بودیم ساعت شده بود هشت شب

_اوا ارزو بیاین صفره بندازین برای شام

_امروز نوبت اجی اواس

_خانوم ارزو الان نوبت یه بعدا پایی خودت

_اون موقع کنارمیام یه جوری



انقدکل کل کردیم که خسته شدیم شامم خوردیم دلم تنگ شده بود برای آرین زنگ زدم

بهش

_سلام اقایی خوبی

_سلام عزیزم مرسی قربنت برم تو خوبی چی شد زنگ زدی

_مرسی دلم تنگ شده زنگ زدم صداتوبشنوم کجایی

_ای جونم کارم تموم شد دارم میرم خونه

_خسته نباشی مواظب خودت باش دوستت دارم خدافظ

_منم دوستت دارم خدافظ خانوم

بهترین حس اینکه که آرین پیشمه چیزی به رویاهام نمونده خاله اینامم رفتن خونشون

منم رفتم که بخوابم فزدا باز باید خرید میکردیم چیزی نمونده به روز عقدمون



_اجی خوابت میاد

_اره از صبح که بیدارم خستم چطور

_هیچی همین جوری اجی اوا باورت میشه چیزی نمونده که عروس شی

_اره بهترین حسه من آراین دوست دارم رسیدن بهش برام ارزو بوده چیزی نمونده که

برآورده شه

_اوهوم فردامیرین خرید

_اره راستی آراین گفته بیایی توام پس بخواب که خواب نمونی

_باشه شب بخیر

با صدای زنگ گوشیم بیدار شدم آراین بودم



_الوجونم

_اوا خوابی پاشین اماد شین بیاین من تاچندد یقه دیگه میام

_ساعت چندمگه

_نه کارزیادداریم اومدم حاضرباشیا فعلا

ازجام بلندشدم ارزو بیدارکردم که اماده شه رفتم دست و صورتموبشورم یاد مریم اوفتادم
این دختر معلوم نیس کجاس ازش خبریم ندارم

_اجی بیابیرون دیگه ریخت بابا

_چی ریخت

_چایی ریخت .یه چیزی میگیا بیادستشویی دارم



خنده ام گرفته بود راست میگه خب ادم دم دستشویی وای میسه چی میریزه رفتم آماده

شدم

_ سلام صبح بخیرمامانی من ارزو امروزمیبرم باخودم

_ باشه منم باخاله میرم خرید فردا عقددخترمه

واقعا فردا عقدمه اصلا باورم نمیشه چیزی نمونده

_ اجی بریم من آمادم

_ زنگ زدیم به آرین گفت سرکوچس بیابریم پایین

_ مامان خدافظ

_ مواظب باشین دخترم به سلامت



رفتیم پایین به آرین سلام دادیم سوارماشین شدیم رفتیم که هم اریشگاه ببینیم هم لباس عقدهمین طورواسه آرین رفتیم پاساژ دنبال لباس دامادی برای آرین

_آرین اینوخیلی قشنگه توتنت که عالی میشه

_اره اقاآرین فکرکنم خوب بشه امتحانش کنید

_باشه بریم

_سلام ببخشیدمیشه اون کت وشلواری که,پشت ویتترین هست بدین

_سلام خوش اومدین بله حتما

یه کت مشکی بالباس سفید که گوشه یقش نگین کاری شده بود با کراوت مشکی پائینش شبیه دوتا هشتی نگین شده بود آرین پوشیدخیلی بهش میومدعالی شده بود

_وای آری خیلی بهت میاد

_چی آری



_اوهوم آرین اری بده مگه اسم جدیدت مبارک

_مرسی خیلیم عالی چطوره خوبه

_عالیه مبارکه

_مرسی خانومم

لباس و حساب کرد رفتیم ارایشگام وقت گرفتیم واسه فردا صبح

_من خسته شدم تموم نشد ازصبح بچرخ بچرخ میکنیم

_چه زود خسته شدی ساعت چنده مگه

_عرض کنم که یکه ساعت گشتم هست



_ارزوخانوم خسته نیستن گرسنن بریم ناهار

_پیتزا حله

_حله

رفتیم پیتزا زدیم به شکم همه کارا کرده بودیم تموم شده بود یکم رفتیم پارک نشستیم
رفتیم خونه یادم افتاد که به مریم زنگ نزدم یه زنگ بزنم بهش

_الو زنده ایی تو

_سلام اوا خوبی چه عجب خوش میگذره

_مرسی عالی جاتم خالی

_بعله بگوببینم چه خبره

_اول بگومعلومه اصلا تو کجایی چندروزه خبری ازت ندارم



_ سرکاریکم سرم شلوغ بود راستی چرا شرکت نمیایی دیگه

_ اها خواستم اینوبگم بهت فردا عقده خوشحال میشم که بیایی

_ چی شوخی میکنی این اقایی بدبخت کیه که اومده تو گرفته

_ همونی که توکوه بهم گفت دوستم داره آرین

_ چی

_اره فردا عقدمونه حتما بیا

_اوا ببخشیدصدام میکنن بعدازنگ میزنم خدافظ

وا این چرا قط کرد

#زبان مریم



آرین مال منه نه اوا چندساله که ارینومیخوام هر کاری کردم نتونسم عاشق خودم کنم
 دخترخالشوول کرده عاشق این شده اخه این دختره چی داره که آرین عاشق شده اوا خانوم به
 همین خیال باش که آرین خودموبدم بهت باید یه کاری کنم زنگ بزnm به خاله

_الو سلام خاله جون خوبین چه خبر

_سلام دخترگلم خوبی خاله چه عجب یادی ازخالت کردی

_نگین شماتاج سری دلم تنگ شده بودبراتون ارین بی بی جون عموخوبن

_اره عزیزم خوبین سلام دارن اینم بگم ارمان از لندن اومد یه خبرخوش دیگم دارم آرین
 فرداعقدشه به مامانت ایناگفتم

_ا بسلامتی ارمان اومد پس

آرینو خاله جون میدونم باید یه چیزایو بهتون بگم درباره اوا

_خیره چی شده



_اوا دختر خوبی نیس در حد آرینم نیس قبل آرین باکسی دیگه بوده خیلی دختر موزیو هیله گریه آرین اولین بچه شما بیشتر دوشش دارین بخاطر همین گفتم ایندش زندگیش براتون مهم

_ظاهر که دختر خوب و مظلومی بود اونکه بله آرین پاره تنمه باید بهترین زندگیداشته باشه

_همین دیگه خاله جون باید یه فکری کنید نباید بزارین زندگی آرین با این دختره صورت بگیره چون خوشی نمیبینه دختر خیلی زرنگیه من باید بهتون میگفتم

_خوب کردی گفتی داشتم زندگی آرین دستی دستی خراب میکردم
حالاتواز کجا میشناسیش

_باهم دوسیم بیشتر از هر کس میشناسمش اگر حرف موقبول ندارین ثابت کنم بهتون

_نه بهت اعتماد دارم عزیزم مرسی که گفتی



_حالا میخواین چیکار کنین

_نمیدونم یه فکری میکنم به مامانت ایناسلام برسون

_چشم حتما خدافظ

هه خاله منو چقد سادس باید یه کاری کنم که خاله نزاره تحریکش کنم آرین مال منه بوده

وهست

#زبان آرین

لحظه شماری میکنم برای فردا اوا تکه تک از همون اول به دلم نشست دختر پاکیه ومظلوم

بهترین دختر تو دنیا نصیب من شده حس میکنم این یه رویاس

_آرین

_جانم مامان



پسرم تو برام خیلی مهمی باید بهترین زندگیت داشته باشی دختره میشناسی مطمئنی
تحقیق کردی من که میگم عجله نکن

مامان این چه حرفیه اوا پاک ترین دختر دنیاس مطمئنم عجله نمیکنم اتفاقاً خیلیم دیره

باشه پس بخواب تا فردا ببینیم چی میشه

شب بخیر مامان

#زبان اوا

ساعت هفت بود باید بیدار میشدم هشت وقت اریشگاه دارم گوشیمونگاه کردم آرین اس
داده بود

بهترین بهترینها دوستت دارم انگار همه اینا یه رویاس واسم اوا چیزی نمونده که بهم
برسیم باورت میشه



_رویانست آرینم واقعیته منم دوستت دارم

_الهی بدو آماده شو پیام ببرمت لحظه شماری میکنم من

_چشم اقایى فعلا

همه بیداربودن صبح بخیر گفتم

_صبح بخیر دخترم

_صبح شماهم بخیر باباجونم

_اوا دخترم بیاینجا باهات حرف دارم

_چشم



_تودخترم پنجاه سال باابرو زندگی کردم مادرت باهمه چی ساخت راه اومد سعی کن مث
مادرت باشی صبورواروم به هیچ وج به بزرگترت بی احترامی نکن یادت باشه اونی که دستشو به
شونت میزنه همیشه همراهت بهش اعتمادکن امیدوارم خوشبخت بشی ماروهم سربلندکنی

_مرسی باباجونم

ازته قلبم بغلش کردم گریه کردم بابایی من بهترین بابای دنیاس خیلی چیزا تاالان یادم
داده بابام همیشه پشتم بوده

_اوا دخترم گریه چرا بایدخوشحال باشی قرارعروس بشی اشک هایی تو بارزشن

_باباجونم دوستون دارم

_منم همین طور یکی یدونه بابا

سلام صبح بخیر اینجارو فیلم هندیه

_اره دخترم توبیا توفيلم هندی ماشرکت کنم

ارزوهم اومدبغل بابام



_ شما دوتا نور این خونه اید

_ مامان چیه پس

_ مادرتونم عشق باباتون

_ او باباشماهم

_ وا چمه مگه دل نداریم مگه

_ رضا اینا فکرکردن ما الکی بهم رسیدیم فقط اینا دل دارن

_ اوه مامان اومد

_ مامان ماتسلیم



_ای خدازدست شماها بیاین صبونحه بخورین که کلی مارداریم

_زهراخانوم به همه زنگ زدی که بگی بیان

_اره به همه گفتم خیالت راحت

صبونحه خوردم لباس پوشیدم همون موقع ام ارین اومدهرچقداسرارکردن بیادبشینه
نیومدگفت کلی کارداره منوارزو رسوند دم اربیشگاه رفت

_سلام عروس خانوم خوش اومدی

_سلام ممنونم

_بیا بشین گلم تاامادت کنم صورت خیلی نازی داری عالی میشی خوشبحال اقاتون

_مرسی



یساعت فقط پایی موهام بود دیگه داشت خوابم میبرد بدش صورتم

نزدیک ساعت ابود ارزوهم بایدآماده میشد زنگ میزدم آرین جواب نمیداد چرا جواب

نمیده این

نگران شده بودم ساعت چهار عقد این کجاس پس دیدم مامان آرین اومد داخل ارایشگاه

_سلام عروس گلم چه خوشگل شدی

_سلام مادر جون خیلی ممنون

از آرین خبرنگدارین زنگ میزنم جواب نمیده

_بیا اینجاباهات کاردارم

رفتیم یه داخل اتاق مدیر کسی اونجانبود یعنی چیکارم داشت



اوا تو باید با ارمان ازدواج کنی نه

آرین

اصلا نفهمیدم چی گفت هنگ کرده بودم یعنی چی

_چی مادر جون ارمان کیه من آرین دوستت دارم نه کسه دیگه

_آرین پاره تنمه زندگیو ایندش خوشبختیش برام خیلی مهم توام در حد آرین نیسی من اشتباه کردم عجله کردم بخاطر حفظ ابرو باید با ارمان ازدواج کنی الانم آرین نیست همه توسالنه عقد منتظرن به نفع خودته که قبول کنی من نمیزارم یکی یدونم باتواز دواج کنه

_اما

_ببین اما اگر ندارین اگر ابرو خودتو خانوادت مهم قبول کن اگرم نیس که هیچی ولی باید قید آرینو بزنی همین که گفتم



داشتم دیونه میشدم فقط گریه میکردم دوست داشتم میمردم ولی اینجوری نمیشد من
بایدچیکارکنم من من آرینو دوست دارم بدون اون نمیتونم اگه من بابرادرش ازدواج کنم چی
دربارم فکر میکنه نه نه همیشه

_آرین نیست نباید چیزی بگی بهش ارمان جلو درمنتظر اگرم خانوادت چیزی گفتن
بگونظرت عوض شده نمیدونم یه چیزی بگو یا ابروت یا بی ابروشدن

_من نمیتونم ابرو بابامو ببرم جلوهمه کوچیکش کنم پشتش حرف بزنم پس قبول میکنم

_این ازدواجم قراردادیه هر موقع گفتم باید طلاق بگیری الان برو که ارمان منتظره

ازخودم بدم اومد من چیکارکردم اخه چرا خدا جونم این چه سرنوشتیه آرینم چی پس من
فقط اونومیخوام بدون حرفی رفتم بیرون فقط سعی میکردم ازچشام اشک نیاد لو برم دیدم یه
پسری داخل ماشین فراری قرمز رنگ نشسته تامنودید اومد بیرون

سلام

جوابشون دادم خودم باهزار بدبختی سوار شدم



بهتر بهت بگم من هیچ علاقه ای به زندگی کردن اجباری ندارم اینم مجبورم مادرم واسم خیلی مهمه نمیتونم بینم ناراحت یا چیزی فکر نکن از خدایه

هه چه از خود راضی دل به دل راه داره منم علاقه ای ندارم بخاطر ابروی بابام مجبور به چنین کاری شدم

میدونم آرین دوس داری اما آرین از هر چیز هر کس واسه مادرم مهمه پس هم تو هم من باید تحمل کنیم

حرفی نزدم تار سیدیم دم تالار بالاش اتاق عقد داشتن خداجونم من به خانوادم چی بگم اخه وقتی وارد شدیم همه دست زدن بابامانم مثل من هنگ کرده بودم بابام اومدم در گوشم گفت

اوا آرین کو

بابا بخشید منم نظرم عوض شد من چیزه

اقایی عمرانی اوا و ارمان همودوست دارن یه سوتفاهم بود که بعدا میگیم بهتره



__ یعنی چی خانوم محسنی

__ بابا الان وقتش نیس همه دارن نگامون میکنن بعدامیگم بهتون

خانواده من خانواده آرین همه شوکه شده بود ولی مجبوربودن برای حفظ ابرو چیزی نگن
نشستم سرصفره عقد دلم میخواست گریه کنه آرین کجاس پس یعنی چی دربارم فکر میکنه

خطبه عقد و خوندن

قران باز کردم سوره حج برام اومد خودمو بزور نگه داشتم پس رویاهام چی میشه آرینم
چی میشه کسی از چیزی خبرنداشت بابام سرش پایین بود هنوز توشوک بود ارزرکه که کلن
توشوک بود مامانم ریز ریزریه میکردن نمیتونسن کاری کنن پاییه ابرو درمیونه کسی ازاشوب
قلبم خبرنداشت عاقد شروع کرد

__ دوشیزه محترمه سرکار خانوم اوا عمرانی ایا بنده وکیلیم شماه به عقد دائمی آقای ارمان

حسنى در بیاورم

__ عروسه رفته گل بچینه

__ برای بار دوم میپرسم سرکار خانوم اوا عمرانی ایا وکیلیم



_عروس رفته گلاب بیاره

_برای بار سوم میپرسم ایوا کیلم

دلم نمیخواست بگم بله چون از ته قلبم نبود

_نمیخواهی بله بگی همه منتظرن

_با اجازه مادر پدرم وبزرگترا بله

همه دست زدن از اتاق عقد خارج شدیم وارد سالن شدیم جایگاه عروس داماد نشستیم
معلوم نیست بابام الان در چه حالیه چه فکری میکنه تا اخر نه حرفی ونه کاری دیگه ایی نکردم
ارمانم همین طور همش به فکر آرین بودم

_اوا دخترم

_بله مامان

_حالت خوبه عزیزم نمیخواهی حرفی بزنی



_خوبم نگران نباشید

_چیزی خواستی بگو حداقل یه لبخندبزن

_باشه

فقط میخواسم این مجلس نکبتی زودتر تموم بشه خودموبزور نگه داشتم گاهی ازچشم اشک میومد سری پاک میکردم که کسی متوجه نشه باهزارمکافات تمومش کردن سوارماشین شدیم که بریم خونه بابام معلوم نیست اونجاچه غوغایی به پابشه

کلی استرس داشتم کم مونده بود سخته کنم ازپله هارفتم بالا خانواده آرینم بودن

_اقای محسنی شماچیکارکردین مگه دخترم قرارنبود باقاآرین ازدواج کنن پس چی شد ماهیچی بازندگی دخترم چیکارکردین

_اقاعمرانی باورکنید ماازچیزی خبرنداریم

_من بهتون میگم



__بگین منتظر جوابم

__برای حفظ ابرو خانواده ما وشما مجبور به اینکاربودیم وگرنه که ماچرا باید بازندگی
دخترتون بازی کنیم آرین لحظه اخرپشیمون شد نمیتونسیم کاری کنیم ارمان قبول کرد اوام
قبول کرده این ازدواج

__یعنی چی این حرف درست نیس

__بابا مادرجون راست میگن من خودم قبول کردم من راضیم باباجون

__اوا مطمئنی دخترم تالان حمایتت کردم ازاین به بعدم خواهم کرد من پشتتم حرفاموکه
یادت نرفته

__مرسی مگه میشه یادم بره

__مامانم یک کلامم حرف نزد ازروبرعکس همیشه امروز اروم بود بی بی اومد بغلم کرد گفت

__عزیزم منم همیشه پیشتم ازالان به بعد تودختر خودمی



_ممنون بی بی جون

مامان ارین

_اقای عمرانی پسرم همه چیزش کامله نیازبه جهیزیم نیست دیگه اگه اجازه بدین نامزدم
نمونن برن سرخونه زندگیشون

امروزچقدر بهم شوکت وارد میشه من که هیچ مامان بابام یعنی چی اخه مگه میشه

_اره بزارین برن اقا عمرانی اینجوری بهتره

_مگه میشه دختر بزرگم بدون جهیزیه بره خونه بخت نه نمیشه

بابام مخالف بود انقدگفتن دیگه مجبوری قبول کرد

_عروس گلم وسیله چیزایی که لازم داری جمع کن که فردا ارمان میاد دنبالت



هیچی حرفی نازدم هیچی فقط میخواسم برن دلم به حال خودم سوخت این چه جورشه
 اخه زندگییم یه روزه ازاین رو به اون رو شد

_ببخشیدمن خیلی خستم میشه برم اتاقم

_اوا خوبی دخترم

_بله خوبم یکم به استراحت نیازدارم

_برو عروس گلم راست میگی خسته شدی ازصبح

_ممنون خدافظ

هیچی دیگه برام مهم نبود فقط تنهایومیخواسم رفتم لباس عروس که چه عرض کنم
 لباس سیاه بدختی و دراوردم باهمون موهای مسخره درازکشیدم تا تونستم گریه کردم رویاهام
 باگریه هام خیس شدن دیگه تموم شد آراین چرانست یعنی کجاس چیکارمیکنه میدونه یا نه
 انقدگریه کردم که خوابم برد



انقدگریه کرده بودم چشم باد کرده بود رفتم حموم دوش گرفتم خدایا چیجوری بااین ادم
 زیر یه سقف زندگی کنم من اصلا نمیدونسم آراین داداشم داره زیردوشم تاتونسم گریه کردم
 کاری جز گریه کردن ازم برنمی اومد

_اوا بیا اقا ارمان اومده دنبالت

_الان میام

زود اومدم بیرون همه وسیله هامو جمع کردم رفتم که از خانوادم بابام مامانم ارزو دیونه
 خدافظی کنم

_باباجونم ببخشید اگه سرافکندتون کردم

_اوا دخترمی تو من تااخربادخترمم نبینم گریه کنی یادت نرفته که اشک هات بارزشن

_بهترین بابایی دنیااین شما



صفت باباموبغل کرده بودم نمیخواستم دل بکنم از اغوشش چشم خوردبه ارمان سرش
پایین بود ازچهرش معلومه که اونم پریشونه

رفتم بغل ارزو

_بلخره شوهرکردی رفتی

_دختردیونه نرفتم بازم میام

دیدم مامانم گریه میکنم رفتم صفت بغلش کردم دوتامون زدیم زیرگریه

_زهرا دخترم واسه همیشه نمیره که اینجوری نکن بزار باخوشحالی بره خوش سرنوشته
اوای من پاکه مطمئنم خوشبخت میشه

باحرفایی بابام اروم شدم ازبغل مامانم اومدم بیرون ارمان چمدونمو گرفت دست بابامو
ب**و**سید و خدافظی کرد رفت پایین من باهزارمکافات خدافظ کردم رفتم سوارماشین شدم

_تاکی میخوایی گریه کنی سرم رفت واسه همیشه رفتی که هرروزبیاپیششون

چب چب نگاش کردم سرموتیکه دادم به پنجره بیرونونگاه میکردم



_ خانوم اوا از کی نخوابیدی که الان خوابیدی بهت خوشتر گذشته باشو رسیدیم

چشام وا کردم دیدم داخل پارکینگ هسیم جوابشودادم

_ میدونسی خیلی گرمیزنی صدرحمت به پیرمرد تخم کفتر خوردی مگه

_ نه زبونم داری پس حالا خرس گنده نمیخوایی پیاده شی

پیاده شدن رفتم سمت اسانسور

_ خوبه چمدون برتم شدم راحتی گلم

_ اره مرسی فقط به درد یوارنزن تازه خریدم

_ روتوبرم خرس گنده

دوتایی سوار اسانسور شدیم واحدسه زد در باز کرد



_بفرما تعارف نکن خونه خودته

_خوب شدگفتی

رفتم داخل یه خونه دوخواب حالش بنفش سفید بود نه بابا سلیقم داره این

اشپزخونش نقره ای مشکی بود

خیلی قشنگه بود وارد اتاقش شدم یه اتاق میز کار کتابخونه بود فکر کنم اتاق کارشه اون

یکی اتاقم یه تخت دو نفره میز آرایش پنجره بزرگ که بازش میکردی بالکن بود چقد دل بازه

اینجا اتاقش ابی سفید بود

_دیدین پسندیدین

_گشمنه

_بیامنوبخور اشپزخونه اونجا منم گشمنه یه چیز بزاربخوریم

_چی من بزارم

_نه ببخشید پرنسس من میزارم شما بشینید



_اخیس خیالم راحت شد

_بایدبگم اینجاخونه بابات نیستا خونه شوهره پس غذام پاییی تو برو بزار که گشمنه

یه غذایی بزارم واست حال کنی رفتم دریخچال بازکردم همه چیز بود واسه خودش
سوپرمارکتی بود چی بزارم کوکوسیب زمینی اما چه کوکویی بزارم برات بچه پرو

اول رفتم لباسامودراوردم یه تونیک ابی پوشیدم با شلوار ورزشی شالمم ازپشت بستم
رفتم که غذا درست کنم

مواد کوکو گذاشتم اول واسه خودم درست کردم سرخ کردم یه جا پنهونش کردم بعدش
واسه ارمان خان کلی فلفل ریختم اونم فلفل قرمز سرخ کردم میزم آماده کردم

_شاهزاده تشریف بیارین غذا

_سم نباشه بدی به خورد من

_اونم به زودی میدم غصه نخور



به به کوکوسیب زمینی عاشقشم

بخورنوش جونت

سه تاورداشت شروع به خوردن کرد وای خدابه دادت برسه اہم بخوری فایده نداره

به مزه ای میده وای دهنم سوخت اب اب

چی شد

چی شدو کوفت دارم برات فلفل میریزی واسه منوجدامیکنی اب بده سوختم وای

قیافش دیدنی بود کلی خندیدم دلموگرفته بودم میخندیدم زبونشومیاوردبیرون هی مردم
ازخنده دیدم بدنگاه میکنه لال شدم کوکوهای که پنهون کردم ورداشتم در رفتم تواتاق درم
بستم ادم میاد داخل این اتاق آرامش میگیره

یه صندلی میزم داشت نشستم راحت خوردم



بیرونونگاه میکردم دیدم صدای از ارمان نماید داره نقشه میکشه حتما انقدساکت بود که
تمام غصه هام آرینم دوباره اومد سراغم خیلی دوش دارم درسته هنوز عشقمه ولی دیگه
نمیشه کاری کرد

قرار بود آرین اقام شه این گودزیلا غر غررو شد شوهرم الکی الکی خدایا

بازم گریه نمیتونسم کاری جز گریه کنم حتما آرین تا الان فهمیده اگه واقعا میخواست
نمیزاشت اینجوری بشه نه زنگی ونه چیزی

رفتم روتخت دراز کشیدم چقد نرمه

پاشدم پیر پیر کردم هورا هورا میکردم نه به گریه کردنم نه به هورا گفتنم رسماً دیونه
شدم توی ناراحتی هام همیشه لبخندشادی دارم بابام همیشه میگه بالبخند به غصه هات ضربه
بزن نزار اذیتت کنه

_هو تختم شکست چته

_هو توکلات خسیس یه تخته خوبه

_مادر جون زنگ زد گفت شام بیاین اینجا



_نمیام

_بیخود ببین بزار یه چیزو از الان بگم من حرفو یه بار میزنم بایدم بگی چشم

_نمیگم

_کارت یادم نرفته ها دهنم هنوز میسوزه چقد فلفل ریختی اوغده داری مگه

_میدونستی تو یه پیرمرد غر غر رویی

_نه بابا پرنسس

_مرسی مرسی

_بساعت دیگه آماده باش



_برو بابا

_نشینده میگیرم

رفت درم بست پسره غرغررو غد پرو گودزیلا

_شنیدم چی گفتیا زشت

_کجام زشته

_همه جات برو خودتو ببین توایینه

رفتم خودمودیدم کجام زشته پسره گودزیلا

_بیایینور بابا ایینه تار شد



__هه هه

رفت بیرون نه خدایی کجام زشته دراز کشیدم چشاموبستم به کوه قدم زدن با آراین
فکر میکردم شاید ظاهرم خوب باشه از داخل داغونم اوف

__مگه نگفتم آماده شو خوابیدی که

__مگه نگفتم آماده شو خوابیدی که

__ادا منو درمیاری پاشو تا پنج دقیقه دیگه باید آماده باشی زبون دراز زشت

__خودتی زشت خودتی

خدایا بهم صبر بده دیونه چرا نصیب من کردی اخی از لجم آماده نشدم نشستم
یهودستم و کشید برد طرف کمک

__آماده نشو من امدتت میکنم



چى برو اونور نميخوام

يابپوش يامن تنت ميکنم

به من دست نزن باشه آماده ميشم گودزيلا

دفع اخر ميگي گودزيلا ها

آماده نميشم اصلا

باشه دارم برات

مانتوشلوار از كمداورد افتاد دنبالم توخونه كه لباس تنم كنه واقعا ميخواه اين كاروكنه

باشه باشه ميپوشم برو اون ور برم اتاق بپوشم



_میپوشی

_اره

لباس گرفتم رفت اتاق خواستم قفل کنم کلیدو

_خانوم زشته کلید دست منه زرنگ بدوبپوش بیا

_نیای توها

_خب بابا

رفتم تندتند پوشیدم ازش بعید نیست بیاد تویهو

_امادم بریم!

_چیه



رنگ لباسامون باهم یکیه چه تفاهمی

اوه برم درش بیارم

به درک

اهمیت ندادم رفتم بیرون ازخونه سواراسانسورشدم دکمه p زدم چه حیاط نازی عاشق گلم
بخصوص رز

دیدم ارمانم اومد ولی عوض نکرده بود

چقدم عوض کردی

حرف نزن بیابشین بریم

سوارشدم رفتیم دیدم هی ها ها میکنه هنوز دهنش میسوزه حقشه زدم ریز
ریزمیخندیدم نزدیک خونشون شدیم استرس گرفتم آراین باشه چیجویی باهش روبه رو شم
خدایا خودت کمکم کن



_میخواهی تا آخر بشین توماشین

_برو بابا با این ماشینت

_از تو زشت قشنگ تره که

چی منو باماشین یکی کردگفت من زشت ترم حقش بود کل فلفل خالی میکردم

محل ندادم بهش دیدم جلوتر از من رفت این دیگه کیه دستام میلزید لرزون لرزون رفتم
یه حیاط خیلی بزرگ داشتن مثل قصر بود اولین باره که خونشون میرم ارمان در باز کرد وارد شدیم
پدر جون اومد جلو پیشونی منوب*و*سید

_اوا خوش اومدی دختر ببخشید میدونم در حقت بدی کردی

_پدر جون این چه حرفیه شما بزرگترین

بی بی جونم اومدب*و*سم کرد مادر جونم همین طور رفتیم نشستیم که من سرم پایین
بود اروم بودم کلی میوه و... به خوردم دادن بخور بخور جون بگیری همین جور میخوردم دیدم نه
اینکه مریم اینجا چیکار میکنه بغلش کردم



_کجا بودی تو دختر اینجاکار میکنی

_سلام تو اینجاکار میکنی من اومدم خونه خالم

_چی یعنی مادر جون خالته

_اره نگفتی تو اینجاکار میکنی

که مادر جون گفت

_مریم ایشون همسرارمان هستن

_جدی مبارکه عزیزم



سرمو انداخت پایین چیزی نگفتم برام جای سوال بود چرا تعجب نکرد من که گفتم باارین

ولی این

_شام امادس بیاین سرمیز

رفتم نشستم ارمان داشت اون ور میشست که بی بی جون گفت

_ارمان برو پیش زنت بشین بدو کله پوک

_اما

_اما اگر نداریم پاشو

اومدم کنار من نشیت داشتیم غذا مومیخوردیم دیدم در خونه باز شد این ارینه عشق من
 هول کردم قاشق از دستم افتاد همه نگاه کردن دلم برای چشایی قهویش تنگ شده بود سرش
 انداخت پایین سنگین سلام کرد

_ارین پسر بیاپیش مریم بشین شام بخورین



از اینکه کنار مریم نشست حسودیم شد چرافت پیش اون ارمان اروم در گوشم گفت

_اوا غذا تو بخور اربن از بس نگاه کردی تموم شد

_باشه

زیاد غذا نخورم پاشدم اصلا حالم خوب نبود

_ارمان پاشوبریم حالم خوب نیست

_اره عروس گلم الان باید فقط تقویت شه استراحت کنه

وااین منظورش چیه بیخیالش پاشد رفتیم خونه

زود پریدم تواتاق لباس عوض کردم خدارو شکر کلید بود رو در قفلش کردم راحت

دراز کشید لباس راحتی پوشیدم ارمان که نیست نمتونه بیاد تواتاق

_اوا چرا در قفل کردی میخوام بخوابم در باز کن



_نخیرم شما یه جادیکه میخوابی نه اینجا

_ببخشید قبل تو اینجا اتاق من بوده و هست در باز کن تا عصبی نشدم

_برو بابا شب بخیر

_اینجوریه وایسا فقط ببین

راحت خوابیدم سعی کردم به ارین فکر نکنم

بیدار شدم دیدم ساعت ده صبح صدایم نمیداد از ارمان لباسامو عوض کرد رفتم تو پذیرایی دیدم ارمان نیست بهتر شرش کم اومدم در یخچال باز کنم یه نامه روش بود

_سلام من رفتم شرکت تا پنج غروب نمیام اینم شماره کارداشتی زنگ بزن بهم مواظب خودتم باش بای



اوه حالاتااون موقع چیکارکنم من صبونحه مشتى خوردم زنگ زد م به مامانم

_سلام مامان خوبى باباخوبه ارزو خوبه چه خبر

_اوو اروم تر اره گلم خوبن ت خوبى ارمان خوبه چیزى که کم ندارى

_نه همه چیز خوبه

_اوا نبینم بشینی گریه کنیا

_نه مامان جونم نگران نباشید همه چیز خوبه ارزو کجاس

_رفته بیرون بادوستش

_اها باشه مامان من برم سلام برسون مواظب خودتونم باشین

_توام همین طور چیزى لازم داشتى زنگ بزنی مواظب باش خدافظ



_خدافظ

یکم باتلویوزون وررفتم حوصله بدجور سررفته بود ساعت یک بود زنگ زدم غذاسفارش
 دادم نزدیک دو بود که غذا آوردن خوردم دلم بدجور درد میکرد حال تهوع شدیدام داشتم
 بزور خوابیدم

#زبان ارمان

اومدم خونه دیدم چراغ خاموش روشن کردم دیدم نیست رفتم اتاق خواب بود این
 چقدر میخوابه صداش کردم بیدار نشد

_اوا چقدر میخوابی پاشو

_اوا

نگران شدم دست زدم به پیشونیش داغ بود مانتوتنش کردم باشال بغلش کردم بردم
 بیمارستان خیلی ترسیده بودم چهره ای مظلومی داره دلم براش سوخت حقش نبود که مامانم
 اینجوری کنه باهاش



_خانم دکتر حالش چطوره

_مسموم شده خداروشکر خوبه نگران نباشید معلومه خیلی دوستون داره هی ارین ارین

میکنه

_چی

ازاینکه تو اون حالش ارین ارین میکنه به فکرشه عصبی شدم درسته دوشش داره

باید فراموشش کنه ارین قراره که

بامریم ازدواج کنه اینو چی جوری بهش بگم اخه رفتم بالاسرش و ایسادم قیافش خیلی نازه
میدونم از درون داغونه ولی خوب ظاهرشو حفظ کرده هرکی بود بی احترامی میکرد ولی این دختر
حتا به مادر پدرم بی احترامی نکرد صدش در نیومد

_من اینجای کار میکنم

_اوا اروم باش مسموم شدی اوردمت بیمارستان چی خوردی امروز تو

_من هیچی



_مطمعنی

_اها از بیرون غذا سفارش دادم خوردم

_دیگه غذا بیرون نخور میدونی فقط صدات کردم جواب ندادی چقد نگران شدم

_باشه من خوبم نگران نباش

_خانومتون مرخص میتونین ببرین فقط دارو هاش به موقع بخوره

_باشه خیلی ممنون

_اوا اروم باشو بریم

#زبان اوا



ازاینکه این گودزیلا نگرانم شده بود یه جوری شدم خوشم اومد دستموگرفت یه لحظه شوکه شدم به چشاش نگاه کردم انقد نزدیکم بود که نفشاش به صورتم میخورد خودمجمع جور کردم دستمو ازدستش کشیدم بیرون

_خودم میرم

_به درک دختره زشت

اروم اروم رفتم سوارماشین شدم سرموتیکه دادم چشموبستم

_باز خوابید

_نخیر بیدارم

_خوبه رسیدیم پیاده شو

_پیاده شدم رفتیم خونه خداالمشوبوخیر کنه رفتم روتخت خوابیدم کلیدو برداشته بود

اومدتواناق

_باشومیخوام روتختم بخوابم



_من جام خوبه مشکل داری برو همون جای که دیشب خوابیدی

_به همین خیال باش

_اصلا یکاری کنیم قرعه کشی کنیم

_حله

_تویه برگه نوشتم اوا یه برگه ارمان یه برگ روزمین دو نفرمون

_نوشتم وردار یدونه

_باشه

ورداشت بازش کرد

_چی نوشته



_دو تاملون روزمین

_باشه من این ور تخت تو اون ور تخت کسی رو تخت نمیخواه

_قبوله

کنار او مدیم خوابیدیم

صبح پاشدم یادم افتاد دیشب ارمان شام نخوردم منم نخوردم دیدم ارمان خوابه یعنی امروز
نمیره سرکار رفتم میز صابونچه آماده کردم

_به به من انقد هنر داشتم خبر نداشتم ازش

_اعتماد به سقفی داری



_سلام

_سلام تو اینا که فلفل نریختی

_نه اگه شک داری نخور ازگشنه گی بمیر

_اول خودت بخور ازهمه چیز بدمن میخوردم

_باشه

شروع کردم بخوردن دیدن مطمئن شد اونم خورد

_مرسی

_چرا امروز نرفتی شرکت

_ترسیدم باز تویه چیزیت شه جواب چند نفر بایددم



جواب ندادم میزو جمع کردم ارمان باتلویوزون ورمیرفت اب میده دستم بود یهو
صدااهانگ زیاد کرد ترسیدم لیوان از دستم اوفتاد شکست

_مرض داری مگه داشتتم سکته میکردم

داشت میخندید چه بامزه میخنده

_حقته تلافی فلفل دیروزت

_گودزیلا

_زشت

رفتم اشپزخونه دستمال اوردم که پاکش کنم یهو لیزخورد پاهام رفت هوا داشتتم میوفتم
که ارمان منوگرفته دستش روکمرم بود یه دستش یه پاموگرفت نداشت بیوفتم بازم این چشاش
صورتش نزدیک صورتم بود فقط همونگاه میکردیم بعد چندلحظه

خودموجمع جورکردم توپیدم بهش



چرا اینجا فرش نداره میوفتادم میدونستی چی میشد خسیس فردا فرش میگیری

میزاری بیشور

رفتم تواتاق درم بستم یه روز نمیزاره ادم اروم باشه

اوا میخوام چی چیزی بهت بگم

بگو

فردا عقدارینه بامریم

اصلا از شوخیت خوشم نیومد

جدی گفتم زنگ بزن پیرس فردا بایدبریم

بروبیرون همین الان

اوا



_گفتم بیرون

سرش داد زدم رفت بیرون بلند بلندگریه میکردم اخه خدا چرا من چرا عشقموازم گرفتی
چرا سرنوشتم اینجوری شد من یه بار عاشق شدم فردا چیجوری برم عقد عشقموببینم انقدگریه
کردم چراغ خواب روتختی پرت کردم شکست

_اوا چی شد

_میگم برو بیرون میخوام تنها باشم برو

_لجبازی نکن چرا اینجوری میکنی

_اگه نری بیرون کلن من از این خونه میرم بیرون

_باشه رفتم اروم باش

انقدحالم خراب بودارمان ترسید رفت پاشدم برم بالکن شیشه چراغ خواب رفت توپام

جیغ بلندی کشیدم



عجب بدبختی گیر کردم اوا چیکار کردی تو

میسوزه

بینم پاتو

پاموگرفت خیلی برید شیشه توپام رفته بود

وایسا یه چیزی بیارم شیشه دربیارم تودیونه ای دیونه

از رو میز ارایش موجین آورد انقدجیغ جیغ کردم اخرعصبی شد

اوا روعصابم راه نرو تکون نده جیغم نزن کر شدم بزار درش بیارم

باشه



باهزارمکافات درش آورد پانسمان کرد خودشم شیشه هارو جمع کرد منم یه گوشه
نشسته بودم گریه میکردم

_بسه اوا چراگریه میکنی چیزی درست نمیشه اوف

دید من اروم نمیشم عصبی شد رفت بیرون ازخونه

#زبان ارمان

هرکاری کردم اروم نشد باباش گفت اشک اوا باارزشن ازم قول گرفت نزارم دخترش گریه
کنه یا اذیت شه منم عصبی شدم رفتم بیرون درکش کردم سخته باید یه کاری کنم رفتم یه عالمه
خوراکی گرفتم یه فیلم ترسناکم گرفتم یه گل رزم گرفتم براش هرچی باشه دختره نباید کمبودی
چیو داشته باشه الانم بایدهرکاری کنم تا اروم شه پیتزام گرفتم رفتم به طرف خونه دیدم بغل
خیابون خرس گنده میفرشن یدونه سفیدشو گرفتم براش رفتم خونه دیدم برق خاموشه ترسیدم
نکنه کاری کرده باشه دیدم یه گوشه اتاق کنج کرده خوابیده دلم سوخت دخترپاک و مظلومیه

_اوا پاشو چرا اینجا خوابیدی

_نمیدونم

_پاشو دستو صورتتو بشور بیا ببین چی گرفتم برات



#زبان اوا

پاشدم رفتم دستو صورتو شوستم این چرا انقدمهربون شده چی گرفته برام رفتم
تو پذیرایی دیدم یه خرس گنده دستش یه گل رز قرمز مثل بچه هایی دوساله خوشحال شدم

_خوشت اومد ازش

_خیلی مرسی

_بیا پیتزا گرفتم بخور تا سرد نشده

پیتزا خوردم داشتم میرفتم تو اتاق که ارمان دستمو گرفت

_اوا ببین میدونم سخته ولی باید فراموشش کنی اون فردا عقدشه کاری نمیشه کرد

خودتو داغون نکن دیگه گریه نکن قول



حرفاش اروم کرد راست میگفت منم قول دادم

_حالا بیابریم فیلم ببینم

_چه فیلمی

_ترسناکه نگو که میترسی

_من نه

رفتیم رومبل نشستیم فیلم شروع شد من واقعا میت رسم خودموبزور نگه داشتم فیلم
مرده دستش تبر بود ادما بااون میکشت هی چشمومیبستم.

_ترسیدی

_من نه کی تموم میشه



ساعت دیگه

وای خدا شب چیجوری بخوابم بزور موندم دیدم داشتم سکتته میکردم خداروشکرزود

تموم شد

من رفتم بخوابم شب بخیر

رفتم بخوابم

کلی صلوات فرستادم بزور خوابیدم نزدیک ساعت سه بود دیدم صدامیادپاشدم جیغ داد

جن جن راه انداختم

چته جن چیه

یه صدای های میاد ببین کیه

اولن خودت جنی دوما من بودم رفتم اب خوردم

واقعاکه من بزور خوابیدم یه اب خوردن انقدسروصدا داره



_دوباره بزور بخواب

_بامزه

رفتم سرجام هرکاری کردم خوابم نبرد پاشدم دیدم ارمان عین خرس قطبی خوابیده عین
خیالشم نیست

_پاشومن خوابم نمیبره

_ارمان پاشو میگم

_وای اگه گذاشتی بخوابم چته باز

_خوابم نمیبره پاشو



_پاشم چیکار کنم برقصم برات

_اقای گودزیلا تعصیر شما با اون فیلمتون

_اوا خواهش میکنم بخواب فردا کلی کار داریم

باگفتن فردا یاد عقد اربین افتادم بدون جواب رفتم سرجام اروم اروم گریه کردم

_اوا چرا گریه میکنی

_باتوام

محلش ندادم اومد پیشم نشست چراغ خواب روشن کرد دستشو گذاشت رو شونم

_اوا گریه نکن من همیشه پشتتم گریت برای چیه هر کی یه سرنوشتی داره



نیاز به یه دلگرمی داشتم یه اغوشی که اروم کنه ناخداگاه ارمان بغل کردم بلندبلندگریه

میکردم

_بسه دیگه گریه نکن بخواب من هستم اوا اروم باش

حرفاش به دلم نشست از بغلش جداشدم سر جام اروم خوابیدم

ساعت هشت بود دیدم ارمان بالاسرم خوابیده الهی دیشب از جاش تکون نخورد پاشدم

میزاماده کردم میخواسم بیدارش کنم دلم نیومد تلفن خونه زنگ خورد

_بله

_سلام خوبی اوا

_سلام مادر جون خوبم شما خوبین پدر جون بی بی جون خوبن

_اره عزیزم همه خوبن فکر کنم ارمان بهت گفته که امروز عقد ارین و مریمه

حرفی نزدم ساکت موندم



_ الو اوا

_ بله گفتش

_ باشه پس زودبیاین کلی کار داریم

_ چشم خدافظ

_ کی بود

_ مادر جون گفتن زودبریم

_ من برم دستو صورتتم بشورم میام

رفتم سرمیز اشتها نداشتم از جام بلندشدم رفتم اتاق

_ اوا چرا چیزی نخوردی



_اشتهاندارم

_میدونم ناراحتی در حقت بدی کردم واقعا مجبور بودم ارین واسه مادرم خیلی مهمه
بیشتر از هر کس اونو دوس داره بعضی وقتا حسودیم میشه که اونو بیشتر دوس داره به فکر زندگی من
نبود باعث شد الان یه زندگی اجباری داشته باشم واقعا نمیدونم چرا این کارو کرد تو دختر خوبی
پاکی ولی چرا نمیدونم بهتره توام کنار بیایی اگه اینجوری پیش بری بدعصبی میشم

_برو بیرون میخوام آماده شم

_واسه دیوار حرف زدم دیگه نه حفته بد رفتاری کنم باهات تا بفهمی زشت

_تو خوشگل خوبه



_صدالبته

_اول بیا بخور بعدا آماده شو

_نزار بهت دوباره بگم گودزیلا برو نمیخورم

انداختمش بیرون باید امروز خوشگل کنم کسی متوجه نشه فکر کنن من شادم خوشحال

رفتم جلو ایینه یه رژ قرمزدم یه ریمل خط چشم کشیدم لپامم یکم رژگونه زدم یه تیپ
کرمی زدم پاشنه ده سانتی پوشیدم ادکلونم خالی کردم

_من آمادم بریم

_الو باتوام من آمادم بریم ارمان هواست کجاست

_هیچی بزار لباس بیوشم بریم



_باشه

بعد چند لحظه ارمان اومد تیب کرمی زده بود بازم رنگ لباسا یکی بود یه هیکل مردونه

خیلی بهش میومد

_بریم

_اوا بریم الو

_ها بریم

رفتم سوار ماشین شدم که بریم تالار استرس گرفته بودم واقعا من میتونم تحولم کنم

جلو خودمو بگیرم

وارد تالار شدیم ارمان دستمو گرفت شوکه شده بودم ولی واقعا نیاز داشتم نمیتونسم راه برم



_مجبوری همچین کفشی میپوشی

_دوست داشتم

_ا پس حفته که بیوفتی

دستم ول کردرفتم واقعا دوست داشتم خفش کنم بزور خودمو رسوندم تا سالن پدرجون
جلو در بود

_سلام دخترم خوش اومدی

_سلام ممنون پدرجونم مبارکه

_مرسی ایشالله بچه دارشدن تو ارمان

اب شدم این چه حرفی بوداخه به مادرجون بی بی جونم سلام دادم نشستم

بعدش دیدم ارین و مریم دارن میان ارین سرش پایین بود معلومه که راضی نبوده ولی

برعکس مریم نیشش بازبود



واقعابرام سخت بود همه رفتن جلو به تبریک گفتن من از جام تکونم نخوردم خواهرارمان
 بغلم نشست بوداسمش پریساس دختر خوبیه زیاد بر خودندااشتم باهاش

_زن داداش چرانگت پریده خوبی

_اره عزیزم خوبم ازصبح چیزی نخوردم بخاطراونه

_اوه اینم بگم آماده کن خودتو تاشب خونه سوپرایز داریم

_یعنی بعداینجا همه میان خونتون

_اره زن داداش جونم پاشو حداقل یکم برقص

_من نه جام خوبه ممنون

قیافم خیلی معلوم بود خطبه عقد خوندن دیگه تموم شد اون دیگه ارین من نیست
 ازگوشه چشم اشک اومدخودمو جمع جور کردم که مادرجون اومد اروم بهم گفت



بهتر فراموشش کنی پسرم بامریم خوشبخت تره ازدواج توام فقط قرار دادیه یادت نرفته

که

نه مادر جون

بدون حرفی رفت واقعا انصاف نبود فقط میخواستم تموم شه بعد ناهار تمومش کردن

خداروشکر

اوا دخترم بیاین خونه باشه گلم

نه بی بی جون خونه کار هست باید برم

عمرا اگه بزارم برین الانم برو پیش ارین و مریم من میرم دنبال ارمان

باچه جرعتی برم تبریک بگم تو چشایی ارین چیجوری نگاه کنم



_سلام مبارکه

_سلام اوا جونم مرسی عزیزم اقاتون کو

باحرف مریم اخم ارین رفت توهم اونم لال شد دیدم ارمان داره میاد

_سلام تبریک میگم خوشبخت بشین

_ممنون

ارین هیچ حرفی نزد حتا سلامم نداد

منم بدو رفتم سمت ماشین سوارشدم وقتی کنارارین وایساده بودم قلبم تند تند میزد اگه
بیشتر میموندم قطعاً سخته میکردم

_توبالون پاشنه چیجوری دویدی تااینجا

_چشات دراد حالا چشم بزن من بیوفتم اخرسر



_نترس تو چشم نمیخوری بریم خونه مادر جون همه اونجان

_منوبزار خونه من نمیام

_فکر نکن چند روز باهات راه اومدم به بعدشم میام گفتم حرفو یک بار میزنم توام میگی
چشم فهمیدی یانه

چنان دادی زد که من لال شدم این چرا یهو عصبی شد

_نشنیدم بگی چشم

_چ ش م

اینجا همه چی زورکیه رفتیم میز و صندلی چیده بودن



رفتم بغل بی بی جون نشستم از بی بی جون میپرسیدن این دختره کیه وقتی بهشون
میگفت زن ارمان یه جوری میشدن میگفتن از زن ارین سنگین تره منم حال میکردم

_خب خب خوش اومدین به مجلس عروسی داداش ارین وزن داداش مریم ما یه سوپرایز
برای همگی داریم

اونم یه بازی بین زوج ها مایه موز به شما میدیم بدون استفاده از کمک گرفتن دست تاتون
اینو تا این بشقاب برسونید حاضرین

همه گفتن ایول موافق بودن بدون دست یعنی بادهنم عمرا من بازی نمیکنم

_ارمان دست زنتوبگیر برین شماهم شرکت کنید

_نه بی بی جون من شرکت نمیکنم بجاش تماشامیکنم

_کله پوک باز تو حرف زدی من میگم باید قبول کنید



اما_

این سری پدرجون اومد

_حرف بی بی جون زمین نزنید برین دیگه باید اول بشین افرین

اوف اینم زوری خب دسشویی رفتن زوری نیست

_اگه بخوایی اونم زوریش میکنم غرنزن خانم زشته میبینی که گیر دادن پس شرکت کنیم

ماهم شرکت کردیم ارین خم شد یه ور موز گرفت من هرکاری کردم نشد

_بلدنیستی یه موز قشنگ بگیری دهنه بدو دیگه الان میسوزیم

باهزار بدختی گرفتیم اونم اون ور چشم توچشم هم بودیم فقط همونگاه میگردیم اروم

اروم میرفتیم که نیوفته زمین چندنفری سوختن ما موندیم ارین و مریم اخیه مسخره

شماچراشرکت کردین



یه لحظه ارین چشمش خورد به من هواسش پرت شد موزافتاد اونا هم سوختن و ما بردیم
همه دست زدن

_ زن داداش اوا و داداش ارمان شما برنده شدین تبریک میگم

_ خب خانم مجردی جایز مون چیه

_ جایزه شما اینکه اوا رو جلو جمع ب*و*س کنید

این چی گفت این دیگه چه جور شه همه ام از خداهشون بود ولی ارین دیدم که عصبی شد
از خونه خارج شد

_ من قبول نمیکنم اصلا جایزه نمیخوام

برعکس همه دست میزدن یالا یالا

ارین اومد جلو لپمو ب*و*س کرد



عصبی شدم زدم بیرون ازخونه

_اوا وایسا

_اوا باتوام

دستمومحکم گرفت

_ول کن دستمو

_چرا اینجوری میکنی فکرکردی کی تو من عاشقتم ازخداخواسته ب**و**ست کردم ها که

الان خودتومیگیری

_من نمیدونم این چه جورجایزه ای بود باید جایزه بدن نه ازطرف خود ادم بگیرن بامن

حرف نزن خدافظ

دستموگرفت کشیدطرف ماشین

_دستم درد گرفته چته دیونه



_بشین توماشین

_نمیخوام

_میشینی یا نه

بادادی که کشید نشستم

_اروم برو الان تصادف میکنیم

_اصلا وایسا پیاده میشم میگم وایسا

وایساد منم پیاده شدم درماشین کوبیدم محکم دیدم گازشو گرفت رفت نه برمیگیره

برگشت شیشه دادپایین گفت

_فکر نکن برگشتم تاسوارت کنم برگشتم بگم به درک خودت تنهاییا



گازشوگرفت رفت این واقعا ارمان بود با این پاشنه کجا برم نصف شبی ماشینم پیدا نمیشه
دیدم یه پژو دوتا پسر توش

دوتا پسر توش هی تیک مینداخت بدجور ترسیده بودم عجب غلطی کردم با ارمان نرفتم

_خانوم امشب مهمون ما باش چراتنهای خوشگله

جواب ندادم عقب میرفتم میومد جلومیرفتم میومد یکیشو پیاده شدو دستمومیکشید
تاتونستم جیغ زدم

_ولم کن اشغال

_هو داری چیکار میکنی

صداش چقداشناس ارین بود

_جنابالی



دستموبزور ازدست پسره کشیدم رفتم طرف ارینم پشتش قایم شدم

_به جنابالی نشونت بدم به چه جرعتی دست این دختروگرفتی

ارین حمله ور شد روپسره

_ارین ولش کن

_ارین

اون یکیم داخل ماشین هی میگفت سوارشو تا نکشتت ازدست ارین فرارکرد سوارماشین

شدن رفتن

_بشین داخل ماشین

نشستم دستمو زخم شده بود میسوخت



__ بیبیم دستت چی شده

__ هیچی نیست خوبم

بزورگرفت دید

__ وایسا بریم پماد بخریم از دارو خونه تو اینجای کار میکنی نصفه شب ارمان کجاست

__ چیزه

__ نمیخواه بگی فهمیدم

رفتیم دارو خونه پماد خریدت تو ماشین خودت اروم رودستم زد

__ میسوزه

__ نه بهتر شد

دیگه لال شدم منورسونددم خونه خودشم اومد بالا ارمان یهو خودش در باز کرد اربن یقه

ارمان گرفت



_اځه بيشور غيرتت كجارتته دختر مردم نصف شبی ول ميكنی میدونی اگه نرسیده بودم
معلوم نبود چی سرش بیاد ارمان دفع اخر میبینم اینجوری ولش میكنی اوا عشق من بودوهست
باكلک ازم گرفتینش پس هواستو جمع کن دلخوشی ندارم بهت

_جمع کن خودتو چه کلکی خود اوا گفت پیادم کن درضمن داشتم میومدم دنبالش

_چقدم زود راه افتادی به دنبالش

حرف ارین شوکم کرد کلک کلک چی باید سر دریبارم اونا دعوا میکردن من ساکت مونده
بودم باید یه جوری بفهمم که چه کلکی زدن

بدون هیچ حرفی رفتم تواتاق درم قفل کردم یعنی کلک چی اځه یه چیز یودارن مخفی
میکنن دیگه صدای نیومد فکر کنم ارین رفته



_درباز کن اوا

باز کن کارت دارم

در باز کردم

_بگو

_ببین من واقعا خودم خبر ندارم امروز تازه فهمیدم که چی شده بخاطر همین عصبی شدم

_چی شده مگه

_مریم به مامانم دورغ گفته سرشوشیره مالیده تو جلو مامانم بده کرده که باارین ازدواج نکنی خودش به هدفش برسه اما روز عقدتون چی شد نمیدونم مریم دختر خاله منه میشناسمش ازبچه گی هیله گربوده الانم هست هواستو جمع کن



پس تو روز عقد چرا اومدی کی بهت بیایی همچین کاریو کنی

مادر جون بهم گفت ارین پشیمون شد ابرو داریم تو بجایی ارین برو ازدواج کن مادر من
برام خیلی مهمه ارزش داره حرفشوزمین نزدم اومدم جلو

ی

اوا الو کجایی ببین باید بفهمیم که روز عقدتون چی شده ولی به کسی چیزی نگو تا
مطمئن شیم

باشه

من میرم حموم

باشه

من میرم توالت



_باشه

_بیامنوبخور

_ها باشه

_مرضو باشه حالت خوبه باشه باشه میکنی

_خب باشه

_اوف دیونه ای تو او دیونه منم دیونه نکنی خوبه

اصلا تو حال خودم نبودم اینا چیکار کردن باهم رفتم اب خوردم بعدش وارد اتاق خواب
شدم یهو دیدم ارمان لخته زود چشموبستم

_خجالت نمیکشی لختی



_مگه نگفتم حموم میرم چرا اومدی تواتاق برو بیرون

_روتو برم من

اومدم بیرون زود خاک برسم خوبه شورت داشت پسره گودزیلا حیا نداره نمیره حموم
لباس دربیاره واه واه

تاااا بیان بیرون از حرصم نشستم خوراکی خوردم بزور دهنم جامیکردم

_از کدوم دهات اومدی

دهنم پر بود همه قورت دادم جوابشودادم

_همون دهاتی که تو اومدی لباس بیرون درمیاری



_من گفتم میرم حموم

_نگفتی اتاق لباس درمیاری که

_تاصبح تاکل کل کنم کم نمیاری من رفتم بخوابم شب بخیر

_شب بخیر

رفت بخواب من خوابم نمی اومد هنوز تو حرف ارین بودم

#زبان ارمان

صبح بلندشدم دیدم اوا نیست پس کجارفته اول صبحی



رفتم اشپزخونه ازدیشب اونجا خوابیده سرش رو میزبوده موقع خواب قیافش چه بامزه
 میشه بغلش کردم گذاشتم روتخت فکر روزعقداینا بودم یعنی چی شده چرا مامان گفت من برم
 اصلانمیفهمم تلفن خونه زنگ خورد مامان اوا بود

_سلام خوبین

_مرسی پسرم شما خوبین اوا خوبه چیزی که کم ندارین

_نه دستتون درد نکنه نمایین اینجا

_نه عزیزم اوا کجاست

_خوابیده کارش داشتن

_فقط زنگ زدم حالتونو پیرسم مواظب هم باشین ایشالله خوشبخت شین سلام برسون



چشم شما هم سلام برسونید

رفتم اتاق کارم کارای شرکت انجام دادم بازم تلفن زنگ خورد یه امروز خونه ایم تلفن چی
شدیم خانمم که خرس قطبی خوابن

الو بله

ارمان سلام مادر جان خوبی

سلام بی بی جون خوبین شما

مرسی خلاصه بگم زنگ زدم بگم بریم شمال شما هم بیاین

فکر نکنم اوا بیاد ولی چشم خب میدم

باشه پسرم پس منتظرم خدافظ

کی بود



_سلام بلدنیستی

_نوچ

_بی بی جون گفت قراربرن شمال ماهم بریم

_اخبون شمال توچی گفتی

_گفتم شرکت سرم شلوغه نمیتونم

_واقعا که من دلم شمال میخواد لب دریا

_میگم شرکت کاردارم بروصبونج بخور



_راستی تو منوبردی روتخت

_من نه بابا عمت اومدگذاشت

_به عمه من توهین نکن

#زبان اوا

دلم شمال میخواست پسره گودزیلا شرکت کاردارم

اینقدتودلم فوشش دادم که نگو من شمال لب دریا جنگل میخوام رفتم کلی صبونحه
خوردم وقتی حرصی میشم فقط میخورم

_اوا چرا اینجوری میکنی مگه ازعطی اومدی

_بامن حرف نزن



_الان قهری

_خب قهرنکن دورغ گفتم به بی بی جون گفتم ببینم اوا چی میگه اینجورکه بوش میاد
از خداته پس وسیله جمع کن فردا بریم

_وای عاشقتم نه چیزه من برم لباسم جمع کردم

همیشه باید سوتی بدم حالا خودمو کنترل کردم و گرنه میرفتم بغلش ماچ ابدار می کردم یه
تختم کمه واقعا رفتم کلی لباس برداشتم

_اوا خوبی تو این همه لباس برا چیه مگه تا آخر میخوای بمونی

_خیلی زیاده

_نه بابا کمه بیشتر بردار میخوای لباسایی منم بردار بیوش



_ارمان میکشمت مسخرم میکنی شهیدت میکنم

افتادم دنبال ارمان

_خرس گنده ازمن فرار میکنی نوچ نوچ

_به کی گفתי خرس گنده دختره زشت وایسایم

حالا ارمان افتاد دنبال رسما دیونه ایم ما خوبی من اینه بابام یادم داده شادترین دختر باشم حتا توناراحتی درسته بدضربه خوردم نمیشه فراموش کردولی به ارمانم قول دادم انقد دنبال هم کردیم پخش زمین شدیم یه لحظه یه صدا عجیبی اومد فکر کنم که صدای باد درکردن بود خاک بر سرم گندزدم دیدم ارمان دست گذاشت تودلش داره میخنده من چشاشم چهارتا شده بود

_چیزه ببخشید ولی من نبودم

_اره زیرتو ببین وای دلم



پسره بیشور ازاین باد پلاستیکی ها که صدا درمیاره گذاشته بود

_بخندبخند اقاارمان دارم برات گودزیلا

بعدهش خودم خندم گرفت صبح برات دارم وایساتماشاکن

ساعت دوبود گرسنم بود اصلا حال غذا درس کردن نداشتم

_ارمان پاشو غذاامروز باتومن گرسنمه

_خیلی روی داری به من چه خودت درست کن

_من درست نمیکنم بکنم براخودم درست میکنم

_قبول هرکی براخودش درست کنه

دیدم ارمان زنگ زد غذاسفارش داد برای خودش من چی بخورم حالا ازشانس من رفت

دشویی ایفون زنگ خورد



بله_

_سفارش غذا داده بودین

_بله بفرما بالا

اومدی غذاگرفتم ازجیب ارمان پول برداشتم بدو رفتم تواتاق درم قفل کرده بودم نشستم
خوردم چقدم خوش مزس

_اوا ایفون زنگ نخور غذانیوردن

نه_

_باشه

خوردم جاشو زیرتخت قایم کردم رفتم توحال



_ اقا من غذاسفارش داده بودم چی شد پس

دیدم داره دعوامیکنه یهو منوچب چب نگاه میگرد

_ هاچیه

_ که غذانیوردن

_ نه کو

_ تواتاق چیکارمیگردی پس

_ لباس عوض میگردم

_ اهانقدطول میکشه



رفت تواتاق همه جاگشت جاشو پیدا کرد

_پس نخوردی نه

_تو چرا برای من نگرفتی

_قرار بود هر کی برای خودش درسته کنه نه

_خوردم دیگه الانم میرم بخوابم شب بخیر

_دختره زشت

_اوا پاشو دیرمون شد بی بی جون اینامنتظرن

از خواب پاشدم آماده شدم که بریم

_ارمان ساکمو بیار



__ برو بابا دیشب یادم نرفته که غذا موخورد یا

__ حفته

بیشور ساکو نبرد خودم بردم بدکمردرد گرفتم نشستم رفتیم خونه بی بی جون اینا سلام
علیک کردیم مثل همیشه باباجون پیشونمیو ب**و*سید راه افتادیم ارین مریم منو ارمان توی
ماشین بی بی ومادرجون تویه ماشین رفتیم من طرف صندلی راننده نشستم مریم پشت راننده
که ارمان بود

__ ارین عشقم چیزی نمیخوری

به چه حقی به ارین گفت عشقم باز گریه یواشکی اشکو پاک کردم مثل همیشه سرموتیک
دادم به پنجره چشموبستم

__ اوا پاشو



رسیدیم از اول خواب بودی تو

بیدار شدم یه ویلانزدیک لب دریا به ارین توجه نکردم رفتم لب اب

خدا یا واقعاً سرنوشتت این بود ارین ازم بگیری من فقط اونو دوست دارم واقعاً چرا اینجوری

شد

زدم زیر گریه بارون میومد

اوا گریه میکنی چرا سرنوشت منم مثل توشد من میدونم یه کاسه ای زیر نیم کاسس

قول میدم که بفهمم چیه اما قول بده که به کسی چیزی نگی حتا ارمان شاید زیر سر اون باشه

تامطمعن نشدیدم نگو

قول میدم ولی چی شد که روز عقدمون نیومدی

اوا اگه بگم باورت میشه من اون روز کلی شوق ذوق داشتم چون قرار بود به عشقم برسم

تو اتاق داشتی آماده میشدم ولی نمیدونم چی شد بیهوش شدم دیگه نفهمیدم چی شد صبح



از خواب بلندشدم به مامانم گفتم گفت که من بهش اس دادم حتا بهم نشونم داد ترجیح دادم لال
بشم تا بفهم چی شد

_یعنی اون روز چی شده

_اوایی نمیدونم صداشم درنیارباشه من برم تا کسی ندیده گرم نکن باشه

دستشور آورد روضور تم اشکمو پاک کرد شوکه حرف ارین شدم باید بفهمم کار کیه

ارین رفت من لب دریاموندم خیس خیس شده بودم

دیدم یکی یه چیزی انداخت روم.

_ارمان توی ترسیدم



_بیابریم توسر مامیخوریا

_دلم برای دریاتنگ شده بود

_اوا نبینم گریه کنیابیابریم

دستموگرفت رفتیم داخل ویلا مریم چسبیده بود به ارین بدجور اتیش گرفتم اخم کردم
رفتم تویه اتاق

لباس عوض کردم صدام کردن برای شام

_اوا دخترم کجای تو پس

_لباس عوض میکردم مادر جون

_بیاشام بخور دخترگلم

شام مفصلی خوردم همه گی رفتیم لب دریا اتیش روشن کردیم کلی حرف زدیم مریم
چسبیده بود به ارین پاشدم رفتم توویلا بدحرصی شدم



یکم چرخ خوردم دیدم یکی داره یواشکی حرف میزنه مریم بود رفتم به حرفاش گوش

کردم

_اره اون شب بیهوش کننده زدم ازگوشیش اس دادم به اون پیرزن فقط الان باید کاری کنیم که اوا فراموش کنه راستی ایسان یه فکری برای این کن

_یعنی همه اینا زیرسر مریم بوده باورم نمیشه یواشکی به اربن اس دادم گفتم بهش بایدفکری کنیم که دستش براهمه رو شه

رفتم اتاق بعدش ارمان اومد تو

_اوا

_بله

_همه اینا زیرسر مریمه

_تواز کجامیدونی



_اومدم خونه دیدم داره با خواهرش ایسان حرف میزنه

_منم شنیدم اما مدرک نداریم چی جوری دستشو روکنیم

من به ارین گفتم جواب نداده

_من گفتم این دختره یله گر همه مارو به بازی گرفته

_به فکر این باش چیجوری روکنیم

دیدم ارین اومد تو اتاق

_اینجا چیکار میکنی ارین شک میکنه مریم

_واقعا کار مریم بوده من باورم نمیشه تاس ام اس توخوندم طاقت نیاوردم اومدم



به فکری من فردامیرم بهش میگم که فهمیدم مطمعنم لومیده خودش و صداش و ضبط
میکنم شب به همه میگیرم قبوله

فکر خوبییه جواب ندادچی

مجبوریم به فکر دیگه کنیم

ارین رفتن خیلی داغون بودم ریم بهترین دوستم اینجوری بازی داده زندگیمو خراب کرده

اوا بخواب تا فردا من به حالی بگیرم از این دختره

باشه شب بخیر

صبحش بلندشدم لباس ورزشی پوشیدم رفتم لب دریا واسه خودم اهنگ خوندم

میدونستی صدات قشنگه



_ارین اینجوری مریم شک میکنه بهمون بهتره بری داخل ویلا

_خوابه ولی چشم میرم

ارین رفت منم به دویدم ساعت نه بود رفتم داخل ویلا مریم توباغ بود رفتم پیشش

_سلام خوبی

_سلام مرسی

_مریم چرا باز ندگیم بازی کردی چرا اینکارا کردی من دیشب صداتوشنیدم فهمیدم که چه کاری کردی واقعات متاسفم زندگیمو خراب کردی

_هی هی اروم تر نه باریکلا دخترزرنگی ولی حیف اون پیرزن نوچ نوچ بادوتا کلمه گول خوردارین فقط مال من بود نه تو اگه نزدیکش بشی خودم میکشمت اره اون شب من ارین بیهوش کردم ازگوشیش اس ام اس دادم به اون پیرزن والانم ارین مال منه همش زیرسرم بود میخوای چه غلطی کنی



_ که اینجور خانم مریم

برگشتم همه پشت در بودن حرفاشنیدن من به کل یادم رفت گوشیمویبارم ارمان نجاتم

داد

_ دخترخاله مارو ببین بازندگی ما سه نفر بازی کرده مادرمنوگول زدی

همه شوک شدن بودن مریم به تته پته افتاده بود

_ شرمم میادبگم تو خواهرزادمی تو تو بازندگی پسرم بازی کردی گولم زدی اوا ازچشمم
انداخت تازه فهمیدم که کی پاکه اوا خیلی صبرداشته که بهمون حرفی نزدبی احترامی نکرد اما تو

_ مامان اروم باش



مادر چون حالش بد شد افتاد بردیمش بیمارستان

_اقدامات پزشکی شد

_خدا بیهتون رحم کرد سخته رد کردن بهش شوک بدی وارده شده باید مراقب باشه

_خدا روشکر

بی بی جون بغلم کرد

_اوا دخترم مارو ببخش بازندگیت بازی کردیم یهت کلک زدن توحنا بی احترامی نکردی

ما حمایتت نکردیم

_بی بی جون برام خیلی عزیزین مثل خانواده خودم مهم اینه دستش رو شد



ببخشید بیمارمیخوان خانم اوا ببینن

رفتم داخل اتاق مادر چون داشت گریه میکرد بغلش کردم

مادر چون

اوا منو ببخش بد کردم فکر کردم ارین با تو خوشبخت نمیشه بدتر زندگیشو خراب کردم به حرف یه ادم هیله گرگوش دادم کلی حرفاتونوشنیدم واقعا ببخشید

مادر چون اروم باشین شما کاری نکردین مریم همه ماروبه بازی گرفته بود الان تموم شد دستش روشده برامون

بغلش کردم اروم شد

ارین ارمان دنبال مریم گشتن نبود فرار کرده بود



یسال بعد

بعداون اتفاق مریم باایسان فرارکردن رفتن المان از ارمان طلاق گرفتم چون اقا عاشق
یکی شده بودن ارزو به مامانم ایناگفتیم که چیا شده بود ارمان ارزو بهم رسیدن

و منوارین بهم رسیدیم الانم یه دختر سه ماه داریم به اسم یلدا
خیلی خوشحالم به کسی که دوشش داشتم رسیدم یلدا ثمره عشق من ارین بود خیلی
زود اتفاقا افتاد ولی برای ما اندازه صدسال بود رویا هام به واقعیت تبدیل شد

اری رویای خیس

پایان

امیدوارم که خوشتون اومده باشه به عشقتون برسین

با تشکر از فاطمه عابدین زاده عزیز بابت نوشتن این رمان زیبا



این رمان رمان اختصاصی سایت و انجمن رمان های عاشقانه میباشد و تمامی حقوق این اثر برای رمانهای عاشقانه محفوظ میباشد .

برای دریافت رمانهای بیشتر به سایت رمان های عاشقانه مراجعه کنید .

www.romankade.com